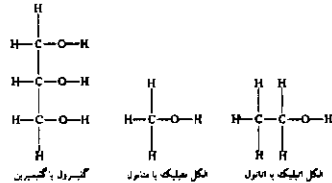
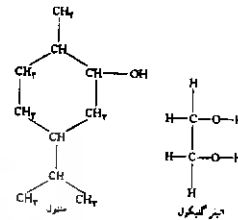


بررسی علمی و فقهی



الکل و فراورده‌های آن



حسینعلی آذرآبادگان

الکل، مایه‌ای آلی و ترکیب یافته از تیدروژن، اکسیژن و کربن است که در عصر حاضر، با پیشرفت روز افزون دانش و فن، کاربردی گسترده در عرصه زندگی بشر، یافته است. هم‌اکنون الکل، در صنعت داروسازی و پزشکی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است.

از الکلها در ساخت داروهای مسکن و شربت‌های خواب‌آور و به عنوان ماده‌ای زداینده، خشک و ضد عفونی کننده، در بیمارستانها و مراکزهای بهداشتی، استفاده می‌شود. در آزمایشگاه‌های پزشکی و اندام‌شناسی - آناتومی - جهت نگهداری اعضای بدن، الکل، کاربرد گسترده‌ای دارد.^۱

الکل، برای تهیه مواد اولیه در صنایع گونه‌گون، حلال، یا نگهدارنده در پاره‌ای از داروها، مانند دهان‌شوی، دمای سرفه و داروی موی سر^۲،

گونه گون عطرها، ادوکلنها، مواد آرایشی، شربتها و عصاره های گیاهی، رنگها و مواد پلاستیکی و حتی به تازگی به عنوان سوخت ماشین^۳، و یا به تنهایی جهت آرام کردن دردهای مزمن، همانند آنژین صدری و قاعدگی دردناک، مارزدگی، سوختگی و سرطان و سایر دردها به کار می رود.^۴

با این گستردگی کاربرد و استفاده از الکل در صنعتهای گوناگون و حیاتی، که روزه روز در حال گسترش است، بایسته می نماید حکم پاکی، یا ناپاکی الکل و فرآورده های آن، در کتاب و سنت، سرچشمه های اجتهادی اسلام، بررسی و پژوهش دقیق و همه سویه گردد.

کوشش جهت شناخت علمی الکل و فرآورده های آن، و در آوردن و دریافت حکم شرعی آن از کتاب و سنت، منبعها و سرچشمه های دینی و نصها و سخنان روشن شریعت، هدف این بررسی و پژوهش است.

اما از آن جا که در کتاب و سنت و در سخنان روشن دینی، سخن از الکل به میان نیامده و فقیهان، به این دلیل که الکل را سُکر آور انگاشته، برابر دلیلهای حکم به نجس بودن آن داده اند؛ در دیگر سوی، درک سخنان شرع در باب آب مایگان سُکر آور، چه بسا بستگی بر فهم و درک نصها و سخنان وارد شده در باب خمر داشته باشد، لازم و بایسته است نجسی و یا پاکی خمر و مشروبات الکلی را بررسی کنیم. اگر پاکی خمر ثابت گردد، پاکی الکلها نیز به خودی خود ثابت می شود.

پیشینه تحقیق
از آن جا که الکل به تازگی در عرصه زندگی بشر راه یافته، ناگزیر بحث از پاکی و نجسی آن را باید در سخنان فقیهان این روزگار جست و جو کرد. بیش تر مجتهدان روزگار ما، در رساله های عملیه و استفتاءات خود، به گونه ای حکم



گونه گون الککله را بیان کرده اند؛ اما در کتابهای استدلالی فقهی خود، از وارد شدن به بحث کارشناسی موضوعی و شناخت و تحلیل علمی موضوع، خودداری ورزیده اند.

شاید نخستین کسی که برای بیان حکم الککل، خود را ناگزیر از تحلیل علمی موضوع دیده و در کتاب خود: «بحوث فی شرح العروه الوثقی» به شرح در شناخت الککله و گونه های آن، سخن گفته، شهید محمد باقر صدر است.

آقای خوئی نیز، در کتاب «تنقیح العروه» خود بحث کوتاهی در باب الککله دارد که بحثی غیر کارشناسانه است.

در هر حال، کتاب تحقیقی و آکنده از دلیل و برهان و به گونه جداگانه، در این زمینه نگاشته نشده است. گرچه سالیان پیش کتابی با قطع جیبی، به نام: «بررسی فراورده های الککل از نظر فقه اسلامی» نوشته دکتر احمد صبور ارودباری کارشناس دانش شیعی، از سوی دارالتبلیغ اسلامی در قم منتشر گردید، اما دارای ویژگیهای استدلالی فقهی نیست.

چنانچه گفته شد، موضوع اصلی این نوشتار، بررسی موضوعی و حکمی الککل و فراورده های آن است. اما از آن جایی که حکم به پاکی و یا ناپاکی آن، بستگی به شناخت خمصر و آب مایگان سُکرآور دیگر و حکم آنها دارد، فصل نخست مقاله را به بحث در این باره ویژه می سازیم. و در فصل دوم نوشتار، در باب شناخت موضوعی نوشیدنیهای الکلی و آب مایگان سُکرآور، بحث می کنیم و به جست و جو در حکم پاکی و ناپاکی آنها می پردازیم.

و در بخش پایانی، که بخش اصلی نوشتار ماست، از شناخت علمی الککل و فراورده های آن و دلایلهای پاکی، یا ناپاکی آنها سخن رفته است و دلایلهای فقیهان در حکم الککل، شرابه های طبی و شربتهای دارویی الککل دار، به بوته نقد و بررسی گذاشته شده است.



خمر و حکم
آن در منابع
اجتهادی

۱. معنای خمر: خمر در لغت به معنای پوشانیدن و پنهان کردن است. و از آن جا که شراب قوا و حواس ظاهری و عقل انسان را می پوشاند، بدان خمر گفته شده است.^۵ و در عرف عامه، به هر آب مایه سکرآوری که از انگور، یا دیگر میوه ها و دانه ها، گرفته شده باشد، خمر گفته می شود.^۶

اما در نظر شرع، آیا هر آب مایه سکرآوری خمر است و یا این که خمر بر گونه ویژه نوشیدنیهای الکلی گفته می شود؟
در این زمینه، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست: خمر عبارت است از گونه ویژه ای از نوشیدنیهای الکلی که از خرما، انگور، کشمش، جو، یا عسل و... ساخته شده باشد. برابر این رای، به هر گونه نوشیدنی الکلی، خمر گفته نمی شود، بلکه زیر عنوان آب مایه های سکرآور قرار می گیرد.
از آن جا که سبب حرام بودن خمر، اسکار آن است، آب مایگان سکرآور نیز حرام هستند. اما برای پاکی و ناپاکی آن، به دلیل جداگانه ای، غیر از دلیل نجس بودن خمر نیاز است.

دلایلیها:

۱. پیامبر اسلام (صل) می فرماید: «الخمر من هاتین الشجرتین النخلة والعنبه.»

خمر از دو درخت به دست می آید: درخت خرما و انگور.

در جای دیگری می فرماید:

«خمر از پنج چیز به دست می آید: از انگور، کشمش، عسل،

جو و خرما.»^۷

۲. امام سجاد (ع) می فرماید:



«خمر از شش چیز ساخته می‌شود: خرما، کشمش، گندم،

جو، عسل و ذرت.^۸»

دیدگاه دوم: خمر عبارت است از هر گونه آب مایه سکرآور چه در عصر رسالت، رایج بوده باشد و چه سپسها رایج گردیده باشد. در این نظر، آنچه حرام و نجس انگاشته شده، خمر است؛ از این روی، همه نوشیدنیهای الکلی عصر حاضر، زیر عنوان خمر قرار می‌گیرند. صاحبان این دیدگاه، به این موارد استدلال کرده‌اند:

الف. امام باقر(ع) در تفسیر آیه «انما الخمر والمیسر...» می‌فرماید:

«انما الخمر فکل مسکر من الشراب إذا أخرج فهو خمر، و ما

أسکر کثیره فقليله حرام...»^۹

هر آب مایه سکرآوری که خماری آورد، خمر است و آنچه زیاد

آن مستی آور باشد، کم آن حرام و ممنوع است.

ب. از امام معصوم در مورد نوشابه‌ای به نام خُثی پرسیدند و امام در

جواب فرمودند: آن هم خمر است و حرام.^{۱۰}

جمع بندی دو دیدگاه: همچنانکه گفته شد، اگر خمر، تنها بر نوشیدنیهای

عصر رسالت گفته شود، و یا دست کم، آب مایه‌هایی را که برابر نظر عرف، بر

آنها خمر گفته می‌شود، در بگیرد، بی‌گمان پاره‌ای از نوشیدنیهای الکلی عصر

حاضر، مصداق خمر نخواهند بود و زیر عنوان آب مایگان سکرآور قرار

خواهند گرفت. پذیرش این دیدگاه، در حرام بودن، یا حرام نبودن این گونه

آب مایگان، اثری نخواهد داشت. به این دلیل که علت حرام بودن پوشیدگی و

اسکار است و حکم حرام بودن دائر مدار علت است. اما پاک‌ی و ناپاک‌ی این گونه

آب مایگان، حتی بنا بر نظر کسانی که خمر را نجس می‌دانند، نیاز به دلیل

جداگانه‌ای دارد. و چون ملازمه‌ای میان حرام بودن و ناپاک‌ی خمر و یا میان

حرام بودن، و ناپاک‌ی آب مایه‌های سکرآور وجود ندارد، رأی به نجس بودن



خمر و پاکی آب مایه های سُکرآور، مجالی خواهد داشت.

اما بنابر دیدگاه دوم، چون هر آنچه سُکرآور است، مصداق خمر قرار می گیرد، به فصلی زیر عنوان آب مایه های سُکرآور نیازی نخواهد بود.

نقد نظریه دوم: نظریه دوم در خور خدشه است. به دلیلهایی چند:

۱. شراب (خمر) ماده ای است که نزد عرف، چه در زمان تشریح و چه در زمان حاضر، شناخته شده و روشن و گونه ساخت آن نیز، روشن است. آب مایه های سُکرآوری که به گونه و روش دیگر ساخته شود، عرف آنها را خمر نمی نامد و زیر عنوانهای دیگر از آنها نام برده می شود. همانند الکلی که با آب مایه ها، درآمیخته شده باشد.

۲. آنچه از روایات از باب دلیل و شاهد برای دیدگاه نخست عنوان شد، دلیلی بر نظریه بالا نمی تواند باشد. بدین دلیل که امام در آن بیانه و روایتها، بنا نداشته که در موضوع و معنای خمر دست ببرد. بلکه در صدد بیان حکم و سریان آن به کل سُکرآورها بوده است. این نکته، با درنگ و دقت در سخنان امام فهمیده می شود. به دیگر سخن، امام در صدد بیان این که چه چیز خمر است و چه چیز خمر نیست، نبوده بلکه امام، آهنگ آن داشته که بیان کند: حرام بودن دایره مدار نام لغوی خمر نیست، بلکه هر آب مایه ای که مستی آور باشد، خمر است. یعنی حکم خمر را دارد و حرام است و این که امام این نکته را یادآور می شود، از آن جهت است که شماری در حرام بودن آب مایه های سُکرآور، به این دلیل که خمر نیستند، گمان ببری داشتند و امام، به طور قطع، در برابر این نظر می فرماید: آب مایه های سُکرآور نیز همانند خمر هستند.

۲. خمر و نوشابه های الکلی از نگاه علم: خمر، گونه ای نوشابه الکلی است که بیش تر از سرشتن (تخمیر) آب انگور تازه و یا انگور تازه کوبیده شده به



روشهای گوناگون، به دست می‌آید. در خمر، مقدار زیادی الکل وجود دارد: ۴۰۰ میلی گرم در لیتر و میزان الکل متلیک در شرابه‌های سفید، بین ۳۸ تا ۱۱۳ میلی گرم در لیتر است. در شراب سرخ تا ۱۸۸ میلی گرم در لیتر نیز می‌رسد، افزون بر آن، در شراب مواد زیر نیز وجود دارد: استالدئید ۳۰ تا ۱۶۰ میلی گرم در لیتر، سیانور یا سیانید به حالت آزاد ۴/۵ میلی گرم در لیتر. دی اکسید گوگرد و ایندوید سولفور، و برای شیرین کردن آن گاهی قند هم می‌افزایند.

گاهی به شرابی که درجه الکلی آن پایین تر از ۹ درجه باشد، الکل استاندارد می‌افزایند و کم و بیش، در گونه‌های شرابه‌های معمولی، ۷/۵ الی ۱۵ درصد حجم شراب، الکل وجود دارد.^{۱۱} نوشابه‌های الکلی را، برابر این که عمل تقطیر در آن صورت پذیرد یا نه، به دو دسته می‌توان بخش بندی کرد:

دسته نخست، عمل تقطیر، چکه چکه آب مایه گرفتن، پس از سرشتن الکل در آن صورت می‌پذیرد مانند کونیاک (ماده اولیه انگور)، Rum (ماده اولیه چغندر قند) و بالاخره عرق کشمش یا راکی (عرق برنج فرآورده کشورهای خاور دور) که به طور میانگین ۳۰٪ تا ۵۰٪ الکل اتیلیک در بر دارد.

دسته دوم آن دسته از نوشابه‌های الکلی که عمل تقطیر در آن صورت نمی‌گیرد مانند شراب (ماده اولیه انگور) یا آب جو (ماده اولیه رازک) که مقدار الکل آنها، به طور معمولی بین ۳۰٪ تا ۱۰٪ است.^{۱۲}

بخچه ساخت از سنگ نبشته‌ها، آثار به جای مانده از تمدنهای کهن: مصر باستان، بابل، آشور و ... افسانه‌های ملت‌هایی چون: چین‌ها، یونانیها، رومیها و ... بر می‌آید که زمانهای بسیار دور و از عصر پارینه سنگی، بشر از آب مایه‌های الکل و خمر استفاده می‌کرده است.^{۱۳}



بشر وقتی به ویژگیهای انگور پی برد و ویژگیهای تخمیری آن را شناخت، صنعت شراب سازی و مصرف آن را پی گرفت.

در جزیره العرب، از زمانهای دور از گوناگون آب مایه های سُکر آور استفاده شده است. عربها، از گوناگون میوه ها، عسل، دانه ها، گندم گونگان، نوشیدنیهای سُکر آور می ساخته و هر یک را با نامی می شناخته اند:

صهبا: شراب انگور. بتع: شراب عسل، یا خرماي تر. عبیرا شراب ذرت، نیبذ: شراب فشرده از خرما، یا انگور، مرز، فضیح و ...

شمس الدین نواجی در حلیة الكمیت می نویسد:

«تا ۱۳۰ گونه مستی آور در جزیره العرب، وجود داشته است.»^{۱۴}

حتّا الفاخوری می نویسد:

«[در عصر جاهلی] شراب از سوریه و فلسطین و دیگر شهرهای مجاور می آمد، و تا به بادیه می رسید، بهایش افزون می شد. بنابراین، جز توانگران و بخشندگان و صاحبان کرم، کسی را توان باده گساری نبود. بعضی از شاعران، گه گاه شراب می نوشیدند و به تفاخر، به وصفش می پرداختند. از شاعران جاهلی که سخن از شراب گفته اند، اعشی و طرفه بشمارند.»^{۱۵}

همو می نویسد:

«آنچه در دیوان اعشی چشمگیر است، وصف شراب است که در اکثر قصائد او دیده می شود. او، شراب را به خاطر خود شراب، نه به خاطر تفاخر، چنانکه عادت شاعران پیش از او بود، می ستاید و در وصف آن، بسط مقال می دهد و از ندیم و ساقی و مطرب یاد می کند و در لطیف ترین شیوه، حالت مستان را تصویر می نماید. گاه گفت و گوی میان باده گسار و



می فروش و ساقی را در درون وصف خویش، می گنجاند....
او را گفتیم: این مشک شراب را به ما ده، در برابر آن شتر
سفید که مهارش را آن غلام در دست دارد.
گفت: اگر نه تای دیگر بر آن بیفزایید، بهای چنین شرابی
نخواهد شد.

آن گاه برخاست و برای ما شرابی ریخت که پس از لرزشش ما
را آرامش بخشید. ۱۶

یا طرفه بن السعید، شاعر دیگر عصر جاهلی می سراید:

«پیوسته پیشه‌من شرابخواری، تمتع از لذات و فروختن و خرج
کردن موروث و مکتب بود تا آن جا که همه‌عشیره از من بگریخت
و من چون اشتر جرب گرفته به قطران آلوده، تنها ماندم.»

یا می سراید:

«آن جا که برای رأی زدن گرد می آیند، مرا خواهی یافت، همچنان
که صدرنشین حانوت باده فروشانم.»

یا می سراید:

«بگذار هامة خود را در زمان حیاتش از می سیراب کنم که چون
مرگ ما فرارسد، خواهی دید کدام یک از ما تشنه کام از دنیا
خواهد رفت.» ۱۷

در قرآن خمر که از بین برنده عقل و خرد است و تباهی آفرین و زندگی سوز و جامعه بر
باد ده، در همه ادیان، از جمله اسلام که بر خرد بنا شده، حرام شده است و
قرآن کریم، بازمینه سازی، این مایه خردزدا را از ساحت زندگیها دور کرد و
امت اسلامی را از این گناه و آلودگی بزرگ پاک گردانید.



از آن جا که الکل به تازگی در عرصه زندگی بشر راه یافته، ناگزیر بحث از پاکی و نجسی آن را باید در سخنان فقیهان این روزگار جست و جو کرد. بیش تر مجتهدان روزگار ما، در رساله های عملیه و استفتاءات خود، به گونه ای حکم گونه گون الکلها را بیان کرده اند؛ اما در کتابهای استدلالی فقهی خود، از وارد شدن به بحث کارشناسی موضوعی و شناخت و تحلیل علمی موضوع، خودداری ورزیده اند.

علامه طباطبایی می نویسد:

«این فخر برای دین مبین اسلام، این محجۀ بیضاء و شریعت غرا بس است، که زیر بنای احکام خود را عقل قرار داده و از پیروی هوای نفس، که دشمن عقل است، نهی فرموده.

....

و از آن جایی که مردم، به قریحه حیوانیت که دارند، همواره متمایل به لذائذ شهوت هستند و این تمایل اعمال شهوانی را بیش تر در بین آنان شایع می سازد، تا حق و حقیقت را، و قهراً، مردم را که به ارتکاب آنها عادت نموده، ترکش برایشان دشوار می شود، هر چند که ترك آن، مقتضای سعادت انسانی باشد. بدین جهت، خدای سبحان، مبارزه با این گونه عاداتها را تدریجاً در بین مردم آغاز کرد و با رفق و مدارا تکلیفشان فرمود: یکی از عادات زشت و شایع در بین مردم، می گساری بود، که شارع اسلام، به تدریج، تحریم آن را شروع کرد و این مطلب، با تدبیر در آیات مربوط به این تحریم که می بینیم چهار بار نازل شده، کاملاً به چشم می خورد.

بار اول فرموده:

«قل انما حرمّ ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن والاثم والبنی
بغیر الحق .»

این آیه در مکه نازل شده و به طور کلی هر عملی را که مصداق
اثم باشد، تحریم کرده، و دیگر فرموده که شرب خمر هم
مصداق اثم است و این که در آن، اثمی کبیر است ...

تا این که آیه شریفه: «لا تقربوا الصلوة وانتم سکاری» در مدینه
نازل شد و تنها از می گساری، در بهترین حالات انسان و در
بهترین اماکن، یعنی نماز در مساجد نهی کرده. و اعتبار عقلی
خود ما و نیز سیاق آیه شریفه نمی پذیرد که این آیه، بعد از آیه
بقره و دو آیه مائده که به طور مطلق از می گساری نهی
می کنند، نازل شده باشد و معنی ندارد که بعد از نهی از مطلق
می گساری، دوباره نسبت به بعضی از موارد آن نهی کنند.
علاوه بر این که این کار، با تدریجی که گفتیم از آیات استفاده
می شود، منافات دارد، چون تدریج عبارت از این است که
اول تکلیف آسان را بیان کنند، بعداً به سخت تر و سخت تر از
آن بپردازند، نه این که اول تکلیف دشوار را بیان کنند، بعد
آسان تر آن را بگویند.

سپس آیه سوره بقره ... نازل شد و فرمود:

«یستلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس
واثمهما اکبر من نفعهما .»

این آیه بعد از سوره نساء نازل شد، به بیانی که گذشت، و
دلالت بر تحریم هم دارد، برای این که در این جا تصریح می کند
بر این که شرب خمر، اثم است و در سوره اعراف به طور



صریح بیان می کند که هر چه مصداق اثم باشد، خدا آن را نهی کرده .

....

آن گاه دو آیه سوره مائده نازل شد و فرمود:

«يا أيها الذين آمنوا اتموا الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان، فاجتنبوه لعلكم تفلحون اتما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة و البغضاء في الخمر و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوة فهل انتم متبهون .»

از ذیل این دو آیه بر می آید که مسلمانان، بعد از شنیدن آیه سوره بقره، هنوز از می گساری دست بردار نبودند و به کلی آن را ترك نکرده بودند، تا این دو آیه نازل شد و در آخرش فرمود: حالا دیگر دست بر می دارید، یا خیر. ۱۸

پاکی و ناپاکی خمر موضوع اصلی نوشتاری که فرا روی دارید، بررسی موضوعی و حکمی الکل و فراورده های آن در منابع اجتهادی است.

اما به دلیل آن که تمام فقیهانی که به ناپاکی الکل فتوا داده اند، دلیلی جز همان دلیلهای نجس بودن خمر و آب مایه های سُکر آور ارائه نداده و با استناد به همان دلیلهای، حکم به ناپاکی الکل داده اند، بررسی حکم خمر و آب مایه های سُکر آور ضروری می نماید.

در این بررسی، با این که سزااست و می باید، قرآن پیش داشته شود، اما ما در این جا، به دلیل این که خواستیم خوانندگان، نخست با دیدگاه فقیهان آشنا شوند، بحث از اجماع را پیش داشتیم:



الف. اجماع: فقیهان پیشین یکی از دلایلی که برای ناپاکی خمر ارائه داده اند، اجماع است که به ترتیب دیدگاه های آنان را نقل می کنیم.

۱. سید مرتضی: گویا نخستین فقیهی که اجماع را از دلایلی خمر به شمار آورده است، سید مرتضی در کتاب ناصریات باشد که می نویسد:

«خمر نجس است و همچنین هر نوشیدنی که سُکر آور باشد. و در ناپاک بودن خمر میان مسلمانان اختلافی وجود ندارد، مگر از شماری که دیدگاه و نظر آنان، چندان مهم به نظر نمی رسد، نقل خلاف شده است.»^{۱۹}

۲. ابن زهره در غنیه می نویسد:

«والخمر نجسة بلاخلاف ممن يعتد به...»^{۲۰}

خمر نجس است، بدون خلاف؛ اما شماری، که گفتارشان حجت نیست، آن را گفته اند.

۳. شیخ طوسی در مبسوط می نویسد:

«والخمر نجسة بلاخلاف وكل مسكر عندنا حكمه حكم الخمر.»^{۲۱}
خمر نجس است، بدون خلاف و هر آب مایه سُکر آوری، در نزد ما حکم خمر را دارد.

۴. ابن ادریس در سرائر می نویسد:

«خمر نجس است، بدون هیچ اختلافی. و شماری از فقهای امامیه گفته اند: نماز گزاردن در لباسی که آلوده به خمر شده باشد، بدون اشکال است... و این فتوا، مخالف اجماع مسلمانان است (تا چه رسد به گروهی خاص از آنان) که بر این باورند خمر نجس است و اجماع دارند بر این که نماز گزاردن در لباس آلوده به خمر، روا نیست.»^{۲۲}



علامه در مختلف^{۲۳}، محقق، شهید اول و شهید دوم و دیگران نیز به این دلیل تمسک جسته اند.

نقد اجماع: ۱. ابتدا چنین به نظر می رسد که ناپاکی خمر نزد فقیهان امامیه و عامه، امری ضروری باشد؛ اما با درنگ و دقت روی سخنان آنان و حتی کسانی که ادعای اجماع کرده اند، روشن می شود در ناپاک بودن، هماهنگی و یک رأی بین فقیهان وجود ندارد. از پیشینیان، صدوقین^{۲۴} و ابن ابی عقیل^{۲۵} و جعفری و از پسینیان محقق اردبیلی^{۲۶} و صاحب مدارک^{۲۷} و محقق خوانساری^{۲۸}، به پاکی خمر فتوا داده اند. از این روی، اجماع مورد ادعای فقیهان، در این زمینه درخور خدشه است.

محقق در معتبر، نجس بودن خمر را اختلافی می داند و پس از آن که دلیلهای اقامه شده بر پاکی و ناپاکی را کافی به مقصود نمی بیند، از باب احتیاط در دین، حکم به نجس بودن خمر می کند.

علامه در مختلف، در باز شکافی و بیان دلیلهای اقامه شده بر نجس بودن خمر، نتوانسته است به اجماع درخور پذیرش دست یابد:

«والخمر وكل مسكر و الفقاع ... نجس، وذهب الی ذلك اكثر علمائنا...»^{۲۹}

وی برای ثابت کردن ناپاکی خمر، به اجماع که نزد وی ثابت شده باشد، استدلال نکرده است، بلکه به اجماع نقل شده از سید مرتضی و شیخ مفید، استدلال جسته است:

«فانه اجماع منقول بقولهما و هما صادقان، فيغلب علی الظن ثبوته، و الاجماع كما يكون حجة إذا نقل متواتراً فكذا إذا نقل آحاداً...»^{۳۰}



این اجماع نقل شده‌ای است از سید مرتضی و شیخ مفید. و این دو، در نقل خود راستگویند و انسان از قول آنان اطمینان می‌یابد و اجماع، همان گونه که اگر با تواتر نقل شود، حجت است، با خبر واحد نیز حجت است.

با در نظر گرفتن و درنگ و دقت روی سخنان فقیهانی که به عصر تشریح نزدیک بودند، و اعتراف آنان به اختلاف اصحاب در این مسأله، اجماع پسینان نمی‌تواند ارزشی داشته باشد. زیرا اجماعی نزد امامیه حجت است که کاشف از رأی و نظر معصوم باشد و با این ناهمگونی و ناسازگاری، به طور قطع نمی‌توان آسودگی خاطر پیدا کرد که این اجماع کاشف از رأی معصوم باشد.

اما سخن این است که سید مرتضی و شیخ مفید، بر چه مبنی و روی کدام اصل، ادعای اجماع کرده‌اند؟

باید گفت: اجماعهای ادعایی سید مرتضی، بیش تر، مبنای اصولی محکم و غیر درخور خدشه‌ای ندارد؛ زیرا فراوان دیده می‌شود سید در جاهایی که حتی فتاوی نادر و شاذی را نقل می‌کند نیز، به اجماع استدلال می‌جوید؛ از این روی معروف است، اجماعهای سید مرتضی، بیش تر اجماع تشریفاتی است و ارزش چندانی ندارد.

شیخ طوسی نیز، در نقل اجماع دچار گونه‌ای تسامح و آسان‌گیری است. چگونه می‌توان در این مسأله ادعای اجماع کرد، در حالی که شیخ صدوق و پدرش، به پاکی خمر باور دارند.

۲. باورمندان به پاکی خمر، گرچه از نظر شمار اندکند، اما از جهت جایگاه به اندازه‌ای هستند که پذیرش اجماع را با دشواریهای جدی روبه‌رو کنند. به این دلیل که شیخ صدوق و پدرش و ابن ابی عقیل و جعفری، که اولی و دومی، از فقیهان پیشین مدرسه قم، سومی و چهارمی از بزرگان و شیوخ



اصحاب امامیه در مدرسه فقهی عراق و همگی نزدیک به عصر تشریح بشمارند، از مخالفان ناپاکی خمرند.
شیخ صدوق می نویسد:

«... ولا بأس أن تصلى في ثوب أصابه خمر، لأن الله تعالى حرم شربها، ولم يحرم الصلاة في ثوب أصابته.»^{۳۱}
نمازگزاردن در لباسی که به خمر آلوده است، اشکال ندارد.
چون خداوند تبارک و تعالی، خوردن خمر را حرام کرده، ولی نمازگزاردن در لباس آلوده به خمر را حرام نکرده است.

۳. روایاتی وجود دارد مبنی بر این که بین فقیهان عصر ائمه و شاگردان آنان نیز در مورد پاکی و ناپاکی خمر، ناسازگاری و ناهمگونی وجود داشته است. در روایت صحیحی از علی بن مهزیار آمده است: از امام موسی کاظم (ع) از صدور دو روایت ناسازگار و ناهمگون که یکی پاکی را ثابت می کند و دیگری ناپاکی را پریش می شود.^{۳۲}

و این روایت نشان می دهد که در عصر تشریح، نجس بودن خمر نزد فقهاء قطعی نبوده است.
۴. به گمان نزدیک به یقین، اجماع مورد ادعا، اجماع مدرکی است و نمی شود به آن از باب دلیل، استناد جست.

ب. روایات: روایاتی که بر نجس بودن خمر دلالت می کنند، بیش تر از هشت روایت است. اما پاره ای از آنها، از جهت سند ضعیف و پاره ای دیگر از جهت متن و دلالت به مقصود، دچار سستیها و اشکالهایی هستند. ما از بین آنها، این چند روایت را برگزیده ایم:

۱. صحیحۃ عبدالله بن سنان قال:



«سأل أبی ابا عبدالله، علیه السلام، و أنا حاضر: إني أعتبر الذمیّ ثوبی و أنا اعلم أنه یشرب الخمر ویأكل الخنزیر فیرده علیّ، فأغسله قبل أن أصلی فیهِ؟ فقال ابو عبدالله: صلّ فیهِ ولا تغسله من أجل ذلك، فانك أعرته إیاه وهو طاهر ولم تستیقن أنه نجسة، فلا بأس أن تصلی فیهِ حتی تستیقن أنه نجسة.»^{۳۳}

از امام صادق پرسیده شد: من لباس را به کافر ذمی که خمر می نوشد و گوشت خوک می خورد، عاریه می دهم و او آن را باز می گرداند آیا می توانم در آن نماز بگزارم، پیش از آن که آن را بشویم؟ امام در جواب می فرماید: در آن نماز بگزار و بدین خاطر آن را نشوی؛ زیرا هنگامی که تو آن را به عاریت دادی، پاک بود و اکنون یقین به نجاست آن نداری ...

از این روایت، استفاده می شود که نجس بودن خمر و گوشت خوک در نظر پرسشگر و در نظر و ذهن مسلمانان پذیرفته شده و بی چون و چرا و یقینی بوده است و امام نیز، با سکوت و امضای خود، بر این دریافت و ارتکاز ذهنی پرسشگر صحّه می گذارد.

۲. صحیحّه دوم از عبدالله بن سنان است که از پدرش نقل می کند و او از امام صادق (ع) می پرسد: شخصی لباس خویش را به کسی که گوشت مارماهی می خورد و یا خمر می نوشد، عاریه می دهد و آن را بازپس می گیرد، آیا می تواند پیش از شست و شو با آن نماز بگزارد؟ امام می فرماید:

«لا یصلی فیهِ حتی یغسله.»^{۳۴}

روشن است که ناروایی گزاردن نماز در لباس یاد شده، دلیلی جز نجس بودن آن نمی تواند داشته باشد.



۳. صحیحۀ محمد بن مسلم: در این روایت، استفاده از جامهای اهل ذمه و مجوس که در آنها خمر می نوشند، مورد نهی قرار گرفته است.

روشن است که دلیل این نهی، ناپرهیزی آنان از خمر و دیگر ناپاکیهاست.

۴. موثقه عمار ساباطی، از امام صادق(ع):

«در خانه ای که خمر و یا مستی آور دیگری وجود دارد، نماز

نگزار؛ زیرا فرشتگان، در چنین خانه ای وارد نمی شوند، و در

لباسی که آلوده به خمر و یا مستی آور دیگری است، پیش از

شست و شوی آن، نماز نگزار.»^{۳۵}

از این روایت استفاده می شود که نماز گزاردن در لباس آلوده به خمر،

سبب باطل شدن نماز می شود. و این، دلیلی جز نجس بودن خمر نمی تواند

داشته باشد. گرچه ممکن است صدر روایت، که از آن مکروه بودن استفاده

شده است، در فهم پایان و دنباله روایت، آشفتگی و گسست پدید آورد؛ اما

دنباله و پایان روایت بدون توجه به آغاز آن، شایستگی استدلال دارد و صدر

آن، نمی تواند ذیل را از حجت بودن فرو اندازد.

۵. موثقه دوم عمار ساباطی: عمار از امام صادق(ع) درباره ظرفی که

پیش از این در آن شراب بوده، می پرسد که آیا می توان اکنون در آن سرکه یا

آبکامه یا زیتون ریخت؟ امام می فرماید: «هرگاه شسته شود ایرادی ندارد.»

آن گاه راوی از ابریق و مانند آن می پرسد که در آن خمر بوده است. امام

همان جواب را می دهد. سپس راوی از قدح یا ظرفی که در آن خمر می نوشیده اند

می پرسد. امام در جواب می فرماید: «سه مرتبه آن را می شوی.»

و در پاسخ به این پرسش که آیا آب ریختن به تنهایی کفایت می کند، می فرماید:

«ریختن آب به تنهایی کافی نیست، مگر آن که دست بکشد و

سه بار آن را بشوید.»^{۳۶}



غیر از این روایاتی که یاد شد، روایات دیگری نیز در این باب وجود دارد، مانند روایت زکریا بن آدم^{۳۷}، مرسله یونس^{۳۸}، روایت هشام بن حکم^{۳۹} و روایت حلبی^{۴۰}، اما به دلیل این که در سند یا دلالت این روایات، خدشه کرده اند، از ذکر آنها خودداری می ورزیم.

ج. قرآن مجید: از حرام بودن خمر و آیاتی که بدان دلالت داشت، به گونه فشرده سخن گفتیم؛ اما اکنون و در این جا، سخن بر سر این است که آیا از آیات الهی در قرآن مجید، می توان بر نجس بودن دلیل آورد و برهان اقامه کرد. شماری از فقیهان بر آیه شریفه زیر، بر نجس بودن خمر استدلال کرده اند:

«أما الخمر والميسر والأنصاب والأزلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه.»^{۴۱}

گویا نخستین فقیهی که بر نجس بودن خمر به این آیه استدلال کرده است، سید مرتضی در کتاب ناصریات باشد^{۴۲}. استدلال به آیه شریفه بر نجس بودن خمر، بستگی دارد بر این که گزاره های زیر ثابت شود:

۱. رجس در لغت و عرف، به معنای نجس است.

ابن منظور در لسان العرب می نویسد:

«رجس: نجس»^{۴۳}

مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می نویسد:

«قال النقاش: الرجس. النجس. وقال فی البارع: وربّما

قالوا: الرجاسة والنجاسة، ای جعلوها بمعنی. وقال الأزهری:

النجس: القدر الخارج من بدن الانسان، وعلى هذا فقد يكون

الرجس والقدر والنجاسة بمعنی.»^{۴۴}

سید مرتضی بعد از نقل آیه شریفه می نویسد:



«... أن الرجس والرجز بمعنى واحد في الشريعة.»^{۴۵}

شیخ طوسی در تهذیب می نویسد:

«أن الرجس هو النجس بلا خلاف.»^{۴۶}

علامه حلی نیز در منتهی المطلب نوشته است:

«والرجس في اللغة النجس.»^{۴۷}

۲. نجاست یک اصطلاح شرعی و دارای حقیقت شرعی است و مراد از نجاست در آیه نیز، همین معنای شرعی آن است و نه معنای لغوی آن. ممکن است طهارت به معنای لغوی آن باشد: از پاکی و پاکیزگی و نجاست به معنای آلودگی و ناپاکی. ممکن است این دو، دارای معنای شرعی خاصی باشند. در صورتی می توان نجس بودن شراب را ثابت کرد که نجاست در آیه شریفه مجعول و برساخته شرعی باشد، وگرنه، اگر به معنای لغوی آن به کار برده شده باشد، به این معنی خواهد بود که: شراب دارای آلودگی است.

۳. مراد از واجب بودن پرهیز در آیه شریفه، دوری گزیدن از خمر به شیوه های ممکن است. و البته نتیجه قهری واجب بودن پرهیز، نجس بودن آن است. در صورتی که سه گزاره بالا ثابت شوند، آن گاه می توان حکم به نجس بودن خمر داد.

نقد گزاره نخست: رجس در لغت، به معنای پلیدی است و نه نجاست اصطلاحی. شاهد آن، پیش از سخنان لغویون قرآن کریم و کاربردهای این کلمه در قرآن است. در این کتاب شریف، ده بار رجس آمده است که در هیچ کدام از آیات بالا، رجس به معنای نجس به کار برده نشده است. در همین آیه ۹۰ سوره مائده که رجس را به معنای نجاست گرفته اند، با درنگ و دقت، می توان دریافت که دلالت بر پاکی خمر می کند. به این دلیل که قمار در کنار خمر قرار گرفته است و قمار نوعی بازی عملی است و حکم نجس بودن بر آن



بار نمی شود. و خردمندانه نیست گفته شود: بازی قمار نجس است.

«الرجس: الشيء القذر، والرجس يكون على أربعة أوجه اما من حيث الطبع واما من جهة العقل واما من جهة الشرع و اما من جهة كل ذلك كالمیته. ۴۸»

رجس، به معنای چیز پلید و پلشت است و به چهارگونه به کار می رود: یا پلیدی سرشتی و ذاتی است و یا پلیدی عقلی و یا پلیدی شرعی و یا این که هر سه جهت آن را داراست، همانند مردار، که هم پلید عقلی است و هم پلید طبعی و هم نجس شرعی.

می نگردد که راغب اصفهانی، رجس را به معنای نجاست نگرفته است و آن را دارای مرتبه هایی دانسته است.

ازهری می نویسد:

«گاهی رجس و قذر و نجس به یک معناست و گاهی نیز رجس به معنای نجس نیست. ۴۹»

در تهذیب از قول زجاج آمده است:

«الرجس في اللغة اسم لكل ما استقدر من عمل، فبالغ الله في ذم هذه الأشياء و سمّاها رجساً. ويقال: رجس الرجل رجساً اذا عمل عملاً قبيحاً. ۵۰»

رجس در لغت، به معنای هر کار ناشایست و ناپسند است.

از این روی، خداوند در نکوهش این چیزها، آنها را رجس نامیده است. و گفته می شود: رجس الرجل رجساً، وقتی کسی کار زشت و ناپسندی را انجام داده باشد.

جمع بندی: با توجه به معناهای یاد شده برای کلمه رجس، باید گفت:

رجس به معنای امر و کار غیر مناسب و ناشایست است، به گونه ای که عقل



سلیم آن عمل را زشت شمرد. این معنی، دارای نمونه‌های گوناگونی است: قدر، نجس، کار غلط و هر عمل پلید و حتی صدای بلند، شک و کفر. از این، روی کار برد آن در قرآن، به عنوان ذکر مصداق و به معنای یاد شده به شمار می‌آید. همان گونه که ممکن است این پلیدی و رجس، در اندیشه‌ها، باورها، اخلاق و ویژگیهای باطنی، یا در رفتار ظاهری و یا گزاره‌های خارجی باشد. باری، رجس به معنای نجاست اصطلاحی نیست، بلکه به معنای پلیدی است و در آیه مبارکه نیز، در همان معنی به کار برده شده است.

اما گزاره دوم (نجاست اصطلاح شرعی است): سخنی است که باید آن را ثابت کرد که به گمان ما، نمی‌توان آن را ثابت کرد اما گزاره سوم، به نظر می‌رسد، سخنی در آن نباشد.

یادآوری: باید بر همه اینها افزود: گیریم «رجس» به معنای «نجس» باشد، «نجس» نیز، در معناهای گوناگونی به کار برده می‌شود و سرنوشتی بسان کلمه «رجس» دارد؛ دارای مرتبه‌های گوناگون. راغب اصفهانی می‌نویسد:

«النَّجَاسَةُ: الْقَذَارَةُ وَ ذَلِكُ ضَرْبَانِ: ضَرْبٌ يَدْرِكُ بِالْحَاسَةِ وَ ضَرْبٌ يَدْرِكُ بِالْبَصِيرَةِ...»^{۵۱}

نجاست، به معنای پلیدی، ناپاکی و آلودگی است و این بر دو قسم است. قسمی از آن با حواس ظاهر در خور درک است و قسمی با قوای باطنی

دلیلهای در برابر روایتهایی که دلالت بر ناپاکی خمر داشتند که یاد شد، روایتهایی در کتابهای **پاکی خمر** معتبر وجود دارد که دلالت بر پاکی خمر می‌کنند و نزدیک به ۱۰ روایت می‌شود. در این گروه از روایات، همانند گروه اول، روایات صحیح، موثق و ضعیف وجود دارد.



آقای خوئی می‌نویسد:

«در برابر روایاتی که دلالت بر نجس بودن خمر دارند، روایتهای بسیاری وجود دارد که دلالت بر پاکی خمر دارند. و در بین روایتها، صحیحه و موثقه وجود دارد و اینها از روایتهایی که بر ناپاکی خمر دلالت می‌کنند، بیش‌ترند. و ادعای این که پاره‌ای از این روایتها، از ائمه، علیهم‌السلام، به ما رسیده باشد، دور نیست، همان‌گونه که دلالت آنها بر پاکی خمر، روشن یا نزدیک به روشن است.»^{۵۲}

۱. حسن بن ابی ساره می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم:

«ما با یهودیان، مسیحیان و مجوسیان، رفت و آمد داریم و آنان [خوڪ] می‌خورند و [و خمر] می‌نوشند و لباسمان به خمر آغشته می‌شود [چه باید کرد؟]

امام در جواب فرمود اشکالی ندارد، مگر آن که بخواهی به خاطر از بین رفتن اثر خمر، آن را بشویی.»^{۵۳}

۲. حسن بن ابی ساره در روایتی دیگر از امام صادق (ع) می‌پرسد:

اگر خمر به لباسم برخورد کرد آیا می‌توانم در آن نماز بگزارم، پیش از آن که بشویم؟

امام در جواب می‌فرماید:

«لَابَأْسَ إِنْ الثَّوْبَ لَا يُسْكِرُ.»^{۵۴}

۳. صحیحه عبدالله بن بکیر: وی می‌گوید: شخصی از امام صادق (ع)

دربارهٔ سُکر آور و نبیدی که به لباس ترشح کند، پرسید.

امام فرمود: اشکالی ندارد.^{۵۵}

از این روایت فهمیده می‌شود که نمازگزار در لباسی که به خمر آلوده شده



باشد، درست است و این دلالت بر پاکی خمر می‌کند. به دیگر سخن برابر این روایت نماز گزاردن در چنین لباسی درست است. تنها دلیل نادرستی نماز، نجس بودن خمر است که در این روایت، نفی شده است. بلکه از علت آوری روایت نخست، چنین به دست می‌آید که مراد شارع از پرهیز از خمر، حرام بودن آن به جهت از کار انداختن قوه خرد است؛ از این روی امام فرمود: «پیراهن که مست نمی‌شود.» و این می‌تواند به این معنی باشد که علت حرام بودن خمر، سکر آوری آن است و این علت، نقشی در پاکی و نجسی آن ندارد.

۴. علی بن رثاب گوید: از امام صادق پرسیدم، خمر و نبیذ مستی آور به لباسم رسیده، آیا می‌توانم در آن نماز بگزارم یا آن که پیش از آن باید آن را بشویم؟ حضرت می‌فرماید:

«صَلِّ فِيهِ إِلَّا أَنْ تَقْدِرَ فِتْغَسَلَ مِنْهُ مَوْضِعَ الْأَثَرِ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ شَرِبَهَا.»^{۵۶}

حل ناسازگاری روایات از آنچه تاکنون به نگارش آمد، به دست می‌آید که هر یک از دو نظریه: پاکی و ناپاکی خمر، از پشتوانه‌ها و دلیلهای معتبر روایی برخوردارند، به گونه‌ای که هر دو گروه با روایاتی که در اختیار دارند و در دسترس است می‌توانند به آسانی ناپاکی و یا پاکی آن را ثابت کنند.

اکنون باید دید، چه راه حلهایی برای از میان برداشتن ناسازگاری بین روایات بالا می‌توان یافت. برای از میان برداشتن ناسازگاریها، از انگاره‌هایی سخن به میان آمده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. روی گردانی مشهور از روایتهای دلالت کننده بر پاکی خمر:

«در زمانی که دو دلیل با هم معارض باشند، از دو حال بیرون نیست،



یا در اوصاف و شرایطی که موجب رجحان یکی از آنهاست، از قبیل عدالت راوی، شهرت روایت، موافقت با کتاب و غیره با هم برابرند و یا یکی بر دیگری رجحان و برتری دارد، در صورت نخست، گفته می شود: آن دو با هم تعادل دارند و متعادل هستند و در صورت دوم گفته می شود: یکی بر دیگری ترجیح دارد. ۵۷

برابر نظر گروهی از فقیهان، شهرت می تواند یکی از برتری دهنده ها باشد. این جا، به گونه اجمال، سخن پذیرفتنی است. اما شماری از فقیهان، از این فراتر رفته و گفته اند: اگر روایت یا روایاتی در فرایند فقیهان قرار داشته باشد، اما به دلیل و دلیلهایی به آن روایات استناد نشده باشد، دلیل آن است که این روایت از حجت بودن فرو افتاده و حجت نیستند؛ از این روی، گفته اند: روی گردانی مشهور از روایت صحیح، دلیلی است بر حجت نبودن آن. در مورد پاك بودن نیز مسأله چنین است. گرچه پاره ای از این روایات صحیح هستند؛ اما به دلیل روی گردانی مشهور، نمی توانند حجت باشند. به بیان دیگر، برابر این نظریه، اخبار دلالت کننده بر پاك بودن خمر، از پایین ترین ویژگیهای حجت بودن، بی بهره اند؛ از این روی اخبار دلالت کننده بر ناپاکی خمر، بدون ناسازگاری با دلیلهای طهارت، حجت هستند. با این نگاه، تعبیر به ناسازگاری در این مسأله نوعی تسامح است.

محقق در معتبر، نجس بودن خمر را اختلافی می داند و پس از آن که دلیلهای اقامه شده بر پاکی و ناپاکی را کافی به مقصود نمی بیند، از باب احتیاط در دین، حکم به نجس بودن خمر می کند. علامه در مختلف، در بازشکافی و بیان دلیلهای اقامه شده بر نجس بودن خمر، نتوانسته است به اجماع در خور پذیرش دست یابد:

نقد: شهرت فتوایی، نمی تواند سبب برتری روایتی بر روایت دیگر شود. گیریم که کسی باور به برتری روایتی به وسیله آن شود، روی گردانی مشهور، نمی تواند سبب حجت نبودن روایت شود. زیرا روایت برای به دست آوردن حجت بودن، باید دارای شرایطی باشد که روی آوری مشهور، نمی تواند یکی از این شرایط باشد. از دیگر سوی، حجت نبودن روایتی، مستند به شرایط و دلایلی است که روی گردانی مشهور یکی از آنها نیست.

گیریم که بپذیریم روی گردانی مشهور، سبب حجت نبودن روایتی می شود، این شهرت باید قدیمی باشد؛ یعنی در عصر ائمه، یا نزدیک به آن عصر باشد و شهرتی که در عصر پسین، به هم رسیده موجب ترجیح نخواهد بود. در حالی که در مسأله ما، کسانی چون شیخ صدوق و پدرش به روایات دلالت کننده بر پاکی خمر، عمل کرده اند؛ از این روی، نمی توان ادعا کرد که شهرت پیشینیان بر عمل به روایات دلالت کننده بر ناپاکی خمر بوده است. افزون بر این، فتوای بر ناپاکی خمر، مستند به دلایلی است که فقیهان در استدلال خود بدانها اشاره کرده اند. شماری، سند روایات بیانگر پاکی خمر را ضعیف دانسته و شماری دیگر، به خاطر پذیرش قواعد رجالی، یا مبنای خاصی در اصول، به روایات بالا، عمل نکرده اند. در این موردها، روی گردانی مشهور، نمی تواند سبب فرو افتادن روایات از حجیت گردد.^{۵۸}

همانند روی گردانی مشهور فقیهان از صحیح ابن بزیه و استناد به روایات و فتوا بر نجس شدن آب چاه، تا عصر علامه، اما در عصر ایشان و پس از آن، تا عصر حاضر، این روایت، به تنهایی در برابر روایات ناسازگار، مستند فتوای فقها در نجس نشدن آب چاه، با برخورد با چیزهای نجس، قرار گرفت. و این نمونه، خود، مثال گویایی است بر این که روی گردانی مشهور، نمی تواند سبب حجت نبودن روایتی گردد.



۲. ناسازگاری روایتهای دلالت کننده بر پاکی خمر، با قرآن کریم: یکی از دلیلهای برتری روایتی بر روایت دیگر، این است که: روایتی که با کتاب الهی، ناسازگاری داشته باشد، حجت نیست و اعتبار ندارد. در این جا نیز، برابر آنچه گذشت که رجس در قرآن، به معنای نجس بود، روایتهایی که دلالت بر پاکی خمر دارند، مخالف قرآن کریم هستند و حجت نیستند.

نقد: این نظریه نمی تواند درست باشد؛ زیرا برابر آنچه گذشت، آیه شریفه قرآن، دلالت بر نجس بودن خمر ندارد و اخباری که دلالت بر پاکی خمر می کنند، نمی توانند به عنوان اخبار مخالف کتاب مطرح شوند و این اخبار، به هیچ روی سرناسازگاری با آیه شریفه ندارند. گرچه، می توان گفت: اخباری که بیانگر ناپاکی خمر هستند، با آیه شریفه، از سازگاری بیش تری برخوردارند؛ اما به گونه ای نیست که بتوان گفت: اخبار اقامه شده بر پاکی خمر، با آیه شریفه ناسازگاری دارند.

۳. جمع عرفی: با بررسی و دقت در دو دسته از روایات یاد شده: دلالت کنندگان بر پاکی خمر و دلالت کنندگان بر ناپاکی خمر، روشن می شود که روایات بیانگر پاکی خمر، در ثابت کردن ادعای خود، از روشن گویی بیش تری برخوردارند. در مثل، امام درباره لباسی که خمر بدان رسیده باشد، به روشنی می فرماید: بدون شست و شو می توان در آن نماز گزارد. و این بیان صریح روشنی است بر پاکی خمر؛ اما روایاتی که بر نجس بودن خمر به آنها استدلال شده بود، تنها ظهور داشتند و برابر قواعد باب تعادل و تراجیح، دلیل صریح بر دلیل ظاهر مقدم می شود.

نتیجه این بیان این است که: اخباری که دلالت بر نجس بودن خمر دارند، حمل بر استحباب می شوند. برابر این راه حل، خمر پاك است.



نقد نظریه: این راه حل، گرچه با قواعد اصولی سازگار است، اما با درنگ روی روایاتی که بیانگر ناپاکی خمر هستند و تأکید بر پرهیز از خمر دارند، لحن شارع در امر به شستن جامها و ظرفهایی که در آن خمر نوشیده اند و دستور به شستن سه یا هفت بار در پاره ای روایات، با این نظریه و حمل اخباری که خمر را نجس می دانند، بر مستحب بودن، نمی سازد.

۴. حکومت مکاتبه علی بن مهزیار، بر اخباری که دلالت بر پاکی خمر دارند: بیش تر فقیهان پسین، با استناد به مکاتبه علی بن مهزیار، حکم به ناپاکی خمر کرده و دلیلهای دیگر را کافی به مقصود خود نیافته اند.

علی بن مهزیار چنین گوید:

«در نامه عبدالله بن محمد، به امام موسی کاظم (ع) دیدم که نوشته بود: فدایت گردم، ز راه از امام باقر و امام صادق (ع) درباره پیراهنی که خمر بدان رسید نقل می کند که آن بزرگواران فرمودند: نماز در آن اشکالی ندارد، زیرا تنها نوشیدن خمر حرام شده است.»

[و از دیگر سوی دیگران از امام صادق (ع) نقل کرده اند که فرموده است:

«هرگاه به لباس خمر یا نبیذ، سکرآور رسید، چنانچه جای برخورد را می دانی، همان قسمت را بشوی و اگر جای آن را نمی دانی، تمامی آن لباس را بشوی. و اگر در آن لباس نماز گزارده ای، نماز را دوباره بگزار.»

حضرت امام! بفرما ما به کدام یک از این دو حدیث عمل کنیم؟

علی بن مهزیار می گوید: امام به خط شریف خود نوشته بود، و من



خود آن را خواندم که: «خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ». به قول امام صادق (ع) عمل کن.^{۵۹}

این راه حل، مورد پذیرش بیش تر فقیهان پسین قرار گرفته است. زیرا برابر مفاد این روایت، روایات نجس بودن خمر، بر روایت پاک بودن آنها حاکم می شوند و آنها را از گردونه ناسازگاری خارج می کنند. در حقیقت، این روایت، همانند برتری دهنده ای از برتری دهنده های باب تعارض عمل کرده و روایات دلالت کننده بر پاکی خمر را از حجیت می اندازد.

به دیگر سخن، با وجود این مکاتبه، نوبت به از گردونه خارج کردن دو دسته از روایات و بازگشت به قاعده طهارت نمی رسد، چون آن قواعد اصولی، با ورود مکاتبه یاد شده، کارایی خود را از دست می دهند و مکاتبه برتری دهنده و مرجع خصوصی خواهد بود که بایستگی عمل به روایات دلالت کننده بر ناپاکی خمر را می نمایاند.

نقد: شرح این نکته ضروری است که مراد از حکومت مکاتبه علی بن مهزیار بر روایات دلالت کننده بر پاکی خمر، حکومت اصطلاحی اصولی نیست؛ زیرا مراد از حکومت اصطلاحی، این است که یکی از دو دلیل، دلیل دیگری را ناظر، و مفسر باشد، یعنی یک دلیل به حال و وضع دلیل دیگر، نظر داشته باشد و مضمون آن را شرح و تفسیر کند. مانند این که دلیلی بگوید: الخمر حرام و دلیل دیگر گوید: الفساق خمر. این دلیل دیگر ناظر به آن دلیل نخست است که موضوع آن را تفسیر می کند و توسعه می دهد.^{۶۰} در این جا دلیل دوم حاکم بر دلیل اول است.

اما در مورد مکاتبه علی بن مهزیار، چنین پیوند و بستگی برقرار نیست و این گونه نیست که دلیل حاکم، دایره دلیل محکوم را بگستراند و یا تنگ گرداند. از این دوی، آقای اراکی، این دلیل را همانند دلیل حاکم دانسته است.^{۶۱} اما جدا از این مسأله، سخن امام موسی کاظم (ع) می تواند تفسیرهایی داشته باشد.



تفسیر نخست: مراد امام از این سخن که فرمود: «به سخن امام صادق(ع) عمل کن.» این باشد که سخن نخست، از امام باقر و امام صادق صادر نشده است. و نمی توان آن را به معصوم استناد داد. برابر این تفسیر، دلایلهای پاکی خمر از حجت بودن، فرو می افتند. از این روی، سخن از حکومت یا تخصیص این دلیل بر دلایلهای طهارت، جائی نخواهد داشت و مسأله از باب ناسازگاری خارج خواهد شد.

اما آیا می توان به طور قطع این تفسیر را پذیرفت به نظر ما چنین برداشتی از سخن امام، نادرست است و یا دست کم، دلیل استواری می خواهد که احتمال تفسیرهای دیگر را از بین ببرد و این دلیل در دست نیست. بلکه با درنگ در سخن امام و شیوه بیان، تا اندازه ای این تفسیر را از کارآیی می اندازد. چون، همین که امام به گونه ظریفی می فرماید: «سخن امام صادق را بگیر.» و نشانه ای از دروغ بودن روایاتی که بر پاکی خمر دلالت دارند، به دست نمی دهد، نشان از آن دارد که هر دو روایت، از امام صادر شده است.

تفسیر دوم: هر دو نقل در نظر امام از شرایط حجت بودن برخوردارند؛ اما نقل اول، مراد جدی امام نبوده است.

به دیگر سخن، بنابراین تفسیر، اصل صادر شدن هر دو دسته از روایات، از امام بی گمان و قطعی است؛ اما جهت صدور روایاتی که پاکی خمر را اعلام می دارند، به گونه ای است که مراد جدی امام را نمی رساند.

اما در هر صورت و با صرف نظر از این سخنان مدرسه ای، که بسیاری از آنها بر مخاطبان سخن امام پوشیده است، روایت امام کاظم(ع) در نظر عرف چگونه تفسیر می شود و از آن چه می فهمد؟ چه نقل اول دروغ باشد و یا در مفاد آن در هم ریختگی و آشفتگی وجود داشته باشد، در این که امام، با روشنی حکم می کند: به روایاتی که دلالت بر نجس بودن خمر می کنند، عمل شود،



شکی نیست و دست کم، فهم ما از سخن امام این است که: ایشان با این بیان، خود به اختلاف مسلمانان در پاکی و نجسی خمر، که ناشی از صدور روایات ناسازگار بوده است، پایان داد و به راوی فرمود: به روایاتی عمل شود که خمر را ناپاک می دانند.

دغدغه خاطری که وجود دارد این است که چرا امام قاطعانه روایات بیانگر پاکی خمر را رد نکرد، تا برای همیشه به این ناهمگونی و ناسازگاری پایان بدهد. و چگونه با لحن مسالمت آمیزی با روایاتی که خمر را پاک می دانند، برخورد کرد؟ سکوت و مسامحه و رد نکردن روایات بیانگر پاکی خمر، و برخورد همراه با احتیاط امام با این روایات، به گونه ای بیانگر آن است که امام، در صدد داوری میان این دو دسته از روایات، پذیرفتن و نپذیرفتن آنها نیست، بلکه باگذری اجمالی و بیانی سر بسته و رمز گونه، راه حل عملی احتیاط را برای مؤمنان پیشنهاد می کند. بدین بیان که: هر دو دسته از روایات از معصوم صادر شده است، ولی از آن جا که احتیاط در دین همیشه خوشایند و نزدیک به حق است، امام این راه را برگزیده است.

خلاصه سخن این که: روایت امام کاظم (ع) باید دو گزاره را ثابت کند: یکی دروغ بودن روایتی که خمر را پاک می انگارند و دیگری تأیید روایتی که به نجسی آن دلالت دارند. در حالی که روایت امام کاظم تنها گزاره دوم را ثابت می کند و از تأیید یا رد گزاره نخست، در آن خبری نیست. این سکوت به نظر ما، معنی دار و دارای پیام خاصی است و آن عبارت است از: احتیاط عملی به انگیزه های روان شناختی و جامعه شناختی است. زیرا اهل خمر را نجس می دانستند و جامعه سنی مذهب آن عصر، این حکم را نوعی پای بندی به دین و نزدیکی به راه حق می انگاشتند.

حکم به پاکی خمر و رواج آن در جامعه تشیع، از سوی امام، در نظر عرف



تسنن، نوعی بی قیدی و لاابالی گری، در برابر احکام دینی انگاشته می شد؛ از این روی امام(ع) با گونه ای بیان سر بسته، راهی را برگزید که از این انتقادات به دور باشد.

۵. حمل روایات دلالت کننده بر پاکی خمر، بر تقیه: این دیدگاه بر حجت انگاری هر دو دسته از روایات و به کار بستن برتری دهنده ها و مرجحات علاجیه استوار است. می دانیم که یکی از مرجحات علاجیه، حمل اخبار مخالف، بر تقیه است. این دیدگاه، به دو گونه بیان شده است:

شماری گفته اند: چون روایاتی که خمر را پاک می دانند، هماهنگ با مذهب شماری از فقیهان عامه است، حمل بر تقیه می شود.

شماری دیگر نوشته اند: صادر شدن روایتهایی که به پاکی خمر دلالت دارند، به سبب تقیه ائمه(ع) از پادشاهان و حاکمان وقت بوده که در محافل و مجالس آنان شرب خمر معمول و مرسوم بوده است.

نقد: این راه چندان استوار به نظر نمی رسد و با واقعیت های بیرونی جامعه سازگاری و هماهنگی ندارد. زیرا فلسفه تقیه در مکتب اهل بیت(ع) پاسداری از کیان تشیع و حفظ موجودیت شیعیان و کوشش برای شناسایی نشدن آنان بوده است. این، در صورتی به حقیقت می پیوندد که رأی مشهور و فراگیری در میان جامعه، برابر دیدگاه اهل سنت وجود داشته باشد، و ائمه با آنان هم رأی و هم گفتار شوند. در حالی که در مسأله موجود، رأی مشهور فقیهان اهل سنت، همانا نجس بودن بوده است. با این وجود، چگونه روایاتی که دلالت بر پاکی خمر می کنند، بر تقیه حمل می شود؟ البته گروهی از فقیهان اهل سنت، به پاکی خمر باور دارند؛ اما بیش تر، کسانی هستند که امام باقر و امام صادق(ع) از آنان تقیه ای نداشته اند، همانند: لیث بن سعد، امام شافعی و ربیعۃ که اولی در مصر



می‌زیسته است و فتوای او در میان اهل مدینه و حوزه سستی فقه شیعه، هوادارانی نداشته است. و دومی، یعنی شافعی، پس از شهادت امام صادق متولد شده است، تقیه امام صادق از او، معنی ندارد.^{۶۲}

اما تقیه امام از پادشاهان و فرمانروایان، به هیچ روی نمی‌تواند درست باشد و ناسازگاری این توجیه با اصول مسلم امامت و عصمت، بر همگان روشن است.

یادآوری چند نکته:

۱. آنچه به عنوان مرجح علاجی در اصول نام برده می‌شود، ناسازگاری با رأی مذهبی بیش‌ترین فقیهان اهل سنت است، نه عمل گروهی از فرمانروایان.
۲. در روایت حریز، گوشت خوک عطف به نجس بودن خمر شده بود، در حالی که هیچ‌یک از فقیهان اهل سنت قبول ندارند که خوک پاک است. همچنین مصرف گوشت خوک نزد خلیفگان و فرمانروایان معمول نبوده است.^{۶۳}

۶. حمل روایاتی که بر ناپاکی خمر دلالت دارند بر تقیه: ممکن است گفته شود برابر قانونهای باب مرجحات و از آن جایی که پیشینه فقیهان اهل سنت، به نجس بودن خمر باور دارند، روایاتی که، بیانگر ناپاکی خمر هستند، حمل بر تقیه می‌گردند.

نقد: این دیدگاه، بدون در نظر گرفتن لحن روایاتی که بر ناپاکی خمر دلالت دارند، به خودی خود، سخن دوری نمی‌نماید و دست کم این است که انتقادهای دیدگاه پیشین بر آن وارد نیست. اما با توجه به لحن روایات چنین به نظر می‌آید که نمی‌توان آنها را حمل بر تقیه کرد؛ زیرا در پاره‌ای از آنها، تأکید بسیار بر پرهیز از خمر به خاطر نجس بودن آن شده است و این با تقیه سازگاری ندارد.



۷. اصالت الطهارت: در این دیدگاه، هر دو دسته از روایات، فرو می افتند و ساقط می شوند؛ زیرا در این جا برتری دهنده ای وجود ندارد و تنها راهی که می ماند، استدلال به اصول عملیه، همانند استصحاب یا اصاله الطهاره است. محقق اردبیلی پس از آن که حکم به پاکی خمر می کند، در دلیلهای آن می نویسد:

«و اما دلیل طهارته، فالأصل والاستصحاب و دلیل کل شیء طاهر، حتی تعلم أنه نجس.»^{۶۴}

این دیدگاه در صورتی درست خواهد بود که از روایات نتوان حکمی را استنباط نمود و گرنه، اگر روایات گویای حکمی باشند، نوبت به اصول عملیه نخواهد رسید.

۸. وجود عام فوقانی در روایاتی که دلالت بر نجس بودن خمر دارند: برابر این نظریه، هر دو دسته روایات باید جداسازی و طبقه بندی گردند. درونمایه و پیام آنها در آن دسته ها و طبقه ها ارزیابی شود و آن گاه به طبقه ای از این روایات به مانند عام فوقانی، عمل گردد.

این دیدگاه، از آن شهید صدر است که خلاصه آن بدین شرح است:

«در اصول ثابت شده است پس از نامازگاری دو روایت یا دو دسته از روایات و فروافتادن آنها، پیش از آن که به اصول عملیه بازگشت شود، باید به عام فوقانی برگشت، مانند نامازگاری دو دسته از روایاتی که یک دسته از آنها، بیانگر اثرپذیری آب چاه، در برخورد با چیز نجس اند، با دسته دیگر از روایات که بیانگر اثرناپذیری آب چاه از چیز پلیدند که پس از فرو افتادن دو دسته از روایات، به عام فوقانی که پاکی آنها باشد، عمل می شود.»



در این مورد نیز، گرچه عام فوقانی به معنی مصطلح خود وجود ندارد، اما در میان روایاتی که دلالت بر ناپاکی آب چاه دارند، روایاتی وجود دارند، که نقش عام فوقانی را انجام می دهند.»

شهید صدر در بیان دیدگاه خود، روایاتی که دلالت بر نجس بودن خمر دارند، به مراتبی تقسیم می کند و عام فوقانی را از میان آنها برمی گزیند، بدین شرح:

مرتبۀ نخست: روایاتی که به روشنی دلالت بر نجس بودن خمر می کنند و حمل آنها بر مستحب بودن پرهیز از خمر، محال می نماید. مانند موثقه عمار، که در آن امام دستور داده است: ظرف شراب، سه بار شسته شود.

مرتبۀ دوم: روایاتی که ظهور در نجس بودن خمر دارند و امکان حمل بر تنزه و کراهت وجود دارد. مانند روایاتی که در آنها امر به شست و شو شده بود. مرتبۀ سوم: روایاتی که با استفاده از اطلاق و مقدمات حکمت، دلالت بر نجس بودن خمر دارند.

مرتبۀ چهارم: روایاتی که با استفاده از امضای سکوتی امام، و افزون بر آن ارتکاز ذهنی دینداران، بر نجس بودن خمر دلالت داشتند.

و اخبار بیانگر پاکی خمر نیز دارای دو مرتبۀ اند:

مرتبۀ نخست: روایاتی که به روشنی بر پاکی خمر دلالت داشتند، مانند روایت علی بن رثاب و ابن ابی ساره.

مرتبۀ دوم: روایاتی که ظهور بر پاکی خمر دارند، مانند روایت علی بن جعفر. شهید صدر، در ادامه می نویسند:

«روایات روشن و آشکار از هر دو دسته با هم ناسازگاری

می کنند و چون برتری دهنده ای وجود ندارد، هر دو گروه از



حجّیت می افتند. و همچنین روایاتی که ظهور در ناپاکی خمر داشتند، با روایاتی که ظهور در طهارت دارند، ناسازگاری می کنند و از حجّیت می افتند.

اما گروه چهارم - مرتبه چهارم - از روایاتی که بر نجس بودن خمر دلالت دارند، بی معارض می مانند و حجّیت آنها مخدوش نمی گردد: و بذلک تثبت نجاسة الخمر. ۶۵

نقد: این دیدگاه، دست کم اشکالهای زیر را دارد:

۱. مسأله مورد بحث ما، با مسأله ناسازگاری دو دلیل و بازگشت به عام فوقانی، از یک سنخ نیستند، تا با آن قیاس شود. در مسأله عام فوقانی، دو روایت - یا دو دسته روایات - ناسازگار از حجّیت می افتند و عام فوقانی، دلیلی خارج از مجموعه فوق خواهد بود که مانند دلیل حاکم عمل کرده و موضوع مورد مناقشه را در بر می گیرد. اما در مسأله مورد بحث ما، گروه چهارم از روایاتی که بیانگر ناپاکی خمر هستند، داخل در مجموعه فوق قرار دارند و قانون ناسازگاری دو دلیل همسان که عبارت از فرو افتادن هر دو دلیل باشد، شامل آنها می گردد.

۲. در بحث ناسازگاری دو دلیل همسان که نتیجه آن فرو افتادن هر دو دلیل است، چنین نیست که دو دلیل ناسازگار، برابر مفهوم و مضمون با هم ناسازگاری کنند. بلکه کل دلیل - همه روایات - مثبت با همه دلیل نافی ناسازگاری می کنند و هر دو دسته از حجت بودن می افتند.

در مسأله مورد بحث، نیز روایاتی که بر نجس بودن خمر دلالت دارند، با روایاتی که بر پاک بودن خمر دلالت دارند، ناسازگاری می کنند و هر دو دسته از جایگاه خود، که همانا حجت بودن باشد، فرو می افتند. از باب مثال، اگر شارع بگوید:



«يجب عليك صلاة الجمعة .»

و در جای دیگری بگوید:

«لايجب عليك صلاة الجمعة .»

و جای سومی بگوید:

«صل صلاة الجمعة .»

آیا روایت اول و دوم با هم درگیر می شوند و از حجیت می افتند و روایت سوم، به عنوان عام فوقانی، عمل خواهد کرد؟

بی گمان، چنین نیست، بلکه دلیل اول و سوم با دلیل دوم ناسازگاری می کنند و هر سه دلیل از جایگاه خود فرو می افتند که همانا حجت بودن باشد.

۳. اگر روایات گروه اول، دوم و سوم که صراحت و یا ظهور در نجس بودن خمر داشتند، از حجت بودن فرو افتند و بی اعتبار شدند، به روایات گروه چهارم، که هم از جهت سند و هم دلالت، دشواریها و اشکالهای بسیاری داشتند، نمی توان اعتماد ورزید.

ردّ صحیحه علی بن مهزیار و دیگر روایتهای صحیح، و استدلال به روایات ضعیف، راهی منطقی به نظر نمی آید.

۹. حمل روایتهایی که دلالت بر نجس بودن خمر دارند، بر نجس و ناپاکی غیر شرعی: این دیدگاه سعی دارد، سخن صاحب شریعت را به خوبی بفهمد و آن را تفسیر و تبیین کند، بدون آن که نیازی به یک گروه از روایات داشته باشد. برابر این تفسیر، میان دو دسته از روایات بیانگر پاکی و نجسی، ناسازگاری دیده نمی شود. لبّ و مغز این نظریه، تشکیک در مفهوم و معنای نجاست و سعی در کشف ملائک آن است.

شرح: نجسی و پلیدی، دارای یک مفهوم و معنای بسیط، که همانا



نجاست ظاهری اصطلاحی باشد، نیست، بلکه نجس و ناپاکی، دارای مرتبه‌ها، درجه‌ها، و مفهومی است که صدور حکم هر یک از آنها، برابر فهم ژرف آن مفهوم درخور استنباط است. چون نجسی در شرع عبارت است از پلیدی، زشتی و ناپاکی که پرهیز از آن خوشایند شارع است. حال ممکن است این زشتی و ناپاکی، در اندیشه‌ها، رفتارها، خویها و منشها و یا ناپاکی ظاهری و یا باطنی باشد.

جست و جو و کندوکاو در نمونه‌های این مفهوم، در بابهای گوناگون فقه، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نجسی را نمی‌توان در همهٔ موردها، حمل بر نجسی ظاهری کرد، همانند روایاتی که بیانگر نجسی کافران و اهل کتاب هستند که شماری فقیهان عصر حاضر، نجسی آنان را اعتقادی و یا سیاسی دانسته و فلسفه آن را، جلوگیری از رفت و آمد و نشست و برخاست مسلمانان با کافران دانسته‌اند.

در مورد خمر نیز می‌توان چنین گفت: مراد از نجس بودن خمر که در روایات، بازتاب یافته، ناپاکی و پلیدی باطنی آن است و نه ناپاکی ظاهری.

پیش از وارد شدن به بحث، یادآوری و روشن شدن چند نکته زیر، بایسته می‌نماید:

آب مایگان سکر
آور و حکم
فقهی آنها

۱. بی‌گمان، اگر بر آب مایهٔ سکرآوری، در عرف و در بین مردم لفظ خمر صادق بود، احکام خمر، بر آن بار و برابر است. اما سخن این است که اگر آب مایه‌ای سکر آور، واژهٔ خمر بر آن اطلاق نشود، آیا احکام خمر را دارد یا خیر؟

مذهب امامیه، هر گونه نوشابهٔ سکرآوری را حرام دانسته است و بر همین نظرند اهل سنت. ۶۶



از روایات بر می آید: حرام بودن خمر در قرآن بیان شده و حرام بودن دیگر آب مایه های سُکرآور از سوی پیامبر (ص) اعلام شده است:

«خداوند خمر را حرام کرد و رسول خدا (ص) هر گونه آب مایه مستی آور را حرام کرد.»^{۶۷}

۲. پس از ثابت کردن حرام بودن آب مایه های مستی آور، باید گفت هیچ گونه ملازمه ای میان حرام بودن و نجس بودن آن وجود ندارد. به دیگر سخن، میان حرام بودن و نجس بودن آب مایه های سُکرآور، عموم و خصوص مطلق برقرار است.

۳. بحث از نجسی و پاکی آب مایه های مستی آور، در صورتی لازم خواهد بود که نجس بودن خمر پذیرفته شود و گرنه، اگر پاکی خمر پذیرفته شود، سخن از نجسی و پاکی آب مایه سُکرآور، وجهی نخواهد داشت؛ چون میان پاکی خمر و پاکی آب مایه های سُکر آور، ملازمه است. اما اگر مبنای نجس بودن خمر پذیرفته شود، این بحث پیش خواهد آمد که آیا آب مایه های سُکرآور نیز، همانند خمر نجس خواهند بود؛ همان گونه که بسان خمر، حرام هستند؟ یا خیر، میان نجس بودن خمر و نجس بودن آب مایه های سُکرآور، ملازمه ای نخواهد بود، گرچه میان حرامی و پاکی این دو ملازمه برقرار باشد.

۴. سخن بعدی این است که: مصداق آب مایه های سُکرآور، چیست؟ باید گفت: اگر خمر عبارت از شراب انگوری باشد، گونه های دیگر نوشابه های الکلی موجود در عصر کنونی، زیر عنوان آب مایه های سُکرآور خواهد بود. از این روی، دلیل نجس بودن خمر، شامل آنها نمی شود.

به دیگر سخن، اگر گفته شود: در عصر تشریح واژه خمر برای مشروب خاصی به کار برده می شده است، آب مایه سُکرآور، خود دارای حقیقتی



برخلاف آنچه گفته می‌شود: موضوع شناسی از دایره و قلمرو وظیفه فقیه خارج است، شناخت موضوع و حکم شناسی هر دو وظیفه مهم فقیهان است. چون شناخت حکم، به طور دقیق و کامل از شناخت موضوع اثر می‌پذیرد و به میزانی که دانستیهای فقیه نسبت به موضوع، از حیث چندی و چگونگی، بیش‌تر و ژرف‌تر باشد، فتوای او نیز از استواری و اعتبار بیش‌تری برخوردار خواهد بود.

جداگانه است و به طور طبیعی، دلیل جداگانه‌ای نیز می‌طلبد. ما در بخش آینده به این مهم، بیش‌تر خواهیم پرداخت.

۵. مسکر به معنای سکرآور است. آب مایه‌های مسکر، به مشروبهای گفته می‌شود که سکرآور باشند. اما باید دید معنای سکر چیست؟

تعریف مستی: مستی عبارت است از سست و بی‌حس شدن نسبی، یا کامل عصبها و جاها و کانونهای مهم و حساس مغز.

نشانه‌های عمومی که عبارت است از: تلاش و تکاپوی بیش‌از معمول، گرمی، بالا رفتن درجه گرمی بدن و شدت نفس کشیدن و افزایش ضربان قلب.

این اثرها و پیامدها در هنگامی آشکار می‌شود که به مقدار خیلی کم نوشیده شود. در این حالت هیچ‌گونه مستی و بی‌حسی و گسستی در کانون و مرکز هدایت‌گری مغز دیده نمی‌شود؛ یعنی هنوز الکل به آن اندازه نیست که در عصبها اثر بگذارد و میزان آن در خون به اندازه‌ای بالا نرفته که بتواند در مغز دگرگونی پدید آورد، تا نشانه‌های مستی ظاهر گردد.

اما نشانه‌های خصوصی: هنگامی از این میزان اندکی بالا رفت، ابتدا مرکز تکلم را برمی‌انگیزاند و شخص، به گونه غیر ارادی حرف می‌زند و به

اصطلاح پرچانگی می کند. و هر چه مصرف الکل بالا رود، ابتدا مرکز شنوایی در مغز، و سپس مرکز بصری و حفظ تعادل شخص از کار می افتند و سست و بی حس می شوند.

اما آنچه در مورد مستی در علم سم شناسی کلاسیک مورد بحث و تأیید قرار گرفته، به شرح زیر است:

«بنا بر تحقیقات امروزی، به طور کلی میزان الکل در خون در مراحل مختلف مستی بدین قرار است. در خون طبیعی، ۲ سانتی گرم در هزار، الکل وجود دارد. اما اگر این میزان به ۱ الی ۱/۵ گرم در هزار برسد، مستی خفیف روی خواهد داد. و ۲ الی ۲/۵ گرم در هزار شخص مست می شود. از ۲/۵ الی ۳، مستی واضح و از ۳ الی ۳/۵ مستی کامل منجر به اغماء و ۴ گرم در هزار، ایجاد بی هوشی کامل و خطرناک و مقدار ۶ گرم در هزار، سم مهلک و کشنده ای خواهد بود.»^{۶۸}

معنای سکر در قرآن: در سوره نساء آیه ۴۳ آمده است:

«يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلمون ما تقولون...»

ای کسانی که به اسلام گرویده اید، در حالت مستی، گرد نماز نگردید، تا آن که بدانید چه می گوید و چه می خوانید.

در این آیه شریفه، میزان مستی، از هم گسستگی در گفتار و آشفته گویی و اثرگذاری ماده الکلی در مرکز و کانون خردورزی شمرده شده است و نشان می دهد که معیار مستی، میزان الکل یا ماده سکرآور نیست، بلکه معیار مستی آن است که ماده سکرآور چنان کارگر افتد که در مرکز خردورزی بتواند اثر بد و



ویران گر بگذارد. آشفتگی و گسست در گفتار، نخستین درجه از مستی در خور درك و حس است.

سخن گفتن از پاکی و ناپاکی آب مایه های سُکر آور، بستگی به این پیش انگار
 دارد که این آب مایه ها، غیر از خمر هستند؛ اگر آب مایه های مستی آور،
 همان خمر باشند، دلیلهای پاکی، یا ناپاکی خمر آنها را در بر می گیرد. اما
 آنچه با جست و جو در روایات به دست می آید این است که: آب مایه های
 مستی آور، دارای حقیقت جداگانه اند. از جمله اینها می توان به روایات زیر
 اشاره کرد:

از امام پرسیدند: اگر کسی شراب یا آب مایه های مستی آور دیگر بنوشد،
 با او چه باید کرد؟^{۶۹}
 و امام در جایی می فرماید:

«المسکر من کل شراب حرام.»^{۷۰}

اگر مسکر، همان خمر بود، به عنوان مستقی نیاز نداشت.
 و یا می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْخَمْرَ بِمِثْلِهَا وَحَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ الشَّرَابَ مِنْ كُلِّ
 مَسْكَرٍ.»^{۷۱}

اما اگر آب مایه های سُکر آور، از خمر باشند، باید دید آیا در نجسی و
 پاکی، همان حکم خمر را دارند، یا خیر، خود دارای حکم جداگانه اند.

باید گفت از جست و جو در سخنان فقیهان پیشین و پسین، گونه ای
 همراهی و وابستگی به میان آن دو استنباط می شود. بیش تر فقیهان،
 آب مایه های سُکر آور را پس از خمر یاد کرده و برای هر دو، یک حکم داده اند.
 اما در میان فقیهان معاصر، این همراهی و لازم و ملزومی از میان رفته است و



فقیهانی، حکم به نجس بودن خمر کرده و با این حال، به پاکی آب مایه های سُکرآور نظر داده اند.^{۷۲}

برای ثابت کردن ناپاکی آب مایه های سُکرآور، به دلیلهایی استدلال شده است که در این جا، هر یک از آنها را مورد ارزیابی قرار می دهیم:

یلهای ناپاکی
آب مایه های
مستی آور

الف. اجماع: بیش تر فقیهانی که در نجس بودن خمر به اجماع استناد جسته اند، در آب مایه های سُکرآور نیز، با تکیه و استناد به اجماع، حکم به نجس بودن کرده اند.

سید مرتضی در کتاب «ناصریات» نجس بودن شراب سُکرآور را پیرو حرام بودن نوشیدن آن دانسته است. بدین معنی که هر کسی شراب را حرام دانسته است، آن را نجس می داند و نوشته است:

«تنها کسانی آن را پاک می دانند که نوشیدن مقدار کم از آن را تاجایی که مستی نیاورد، حلال می شمارند.»^{۷۳}

صاحب جواهر، به اجماع مرکب استدلال کرده است:

«هر فقیهی که خمر را نجس دانسته، دیگر نوشابه های مست کننده و سُکرآور را نیز، نجس می داند و هر فقیهی که به پاکی خمر باور دارد، دیگر آب مایه های سُکرآور از نظر او پاک است.»^{۷۴}

نقد: چنان که در بحثهای پیش یادآور شدیم: به دست آوردن اجماع در این مسأله، با وجود ناسازگارانی از پیشینیان، چون: شیخ صدوق، ابن ابی عقیل، و از پسینیان چون محقق اردبیلی، خوانساری، صاحب مدارک و ... ممکن نیست. افزون بر این، اجماع به گونه ای که بیان شده، هیچ گونه حجیتی ندارد.



خلاصه کلام این که وقتی تحصیل اجماع را در نجس بودن خمر، نپذیرفتیم، اجماع بر نجس بودن آب مایه های سُکرآور نیز پذیرفتنی نخواهد بود. افزون بر این، اجماع مدرکی و یا محتمل المدرکی است و نمی تواند کاشف از رأی معصوم باشد.

ب. روایات: از میان روایاتی که دلالت بر نجس بودن نوشیدنیهای الکلی دارند، در چندین روایت، از نیبذ سُکرآور سخن به میان آمده که گونه ای خمر است؛ همانند صحیححه علی بن مهزیار^{۷۵}. از این میان، تنها در دو روایت لفظ «المسکر» آمده است:

۱. روایت عمار، که امام فرمود:

«در خانه ای که خمر و دیگر آب مایه باشد نماز نخوان.»^{۷۶}

۲. مقبوله عمر بن حنظله است که از امام درباره کاسه ای می پرسد که در آن آب مایه سُکرآور را با آب درآمیخته اند و به گونه ای است که مستی آور نیست.

در جواب می فرماید: «لا والله.»^{۷۷}

نقد: درباره موثقه عمار، باید گفت: با توجه به اسلوب کلام امام و وحدت سیاق، حمل بر تنزه می شود. در این روایت، سخن از نجس بودن خمر نیست. زیرا نماز گزاردن در خانه ای که خمر در آن باشد، بی گمان، بی اشکال است. پس امام در مقام بیان نجس بودن آن نیست، بلکه بیش تر در مقام امر به پرهیز و دوری گزینی از خمر است.

درباره مقبوله عمر بن حنظله باید گفت: دلیل معتبری که ثقه بودن این شخص را ثابت کند در دست نیست. و پذیرفتن یک روایت از او، از سوی فقهای امامیه، دلیل موثق بودن وی نیست؛ زیرا چه بسا آن حدیث، دارای نشانه های



ویژه ای باشد که اطمینان به صدور آن بوده است. افزون بر این، گیریم سند روایت پذیرفته شود، دلالت آن بر نجس بودن آب مایه های سُکرآور روشن نیست؛ زیرا سؤال راوی از نوشیدن آن است و نه از نجس بودن آن. با توجه به نظر فقیهان حنفی که بر این باورند: اگر آب مایه سُکرآوری غیر از خمر، چنان با آب در آمیخته شود که حالت سُکرآوری آن از بین برود، نوشیدن آن حلال است. امام در این روایت، نظر مقابل این نظریه را با تأکید بیان می کند.

روایات:

بلیه های پاکی
ب مایه های
سُکرآور

۱. موثقه عبدالله بن بکیر: عبدالله می گوید: من در محضر امام صادق بودم که شخصی از وی درباره «مسکر» و نبیذ پرسید.

حضرت پاسخ داد: «لا بأس». ^{۷۸}

۲. در روایت حسن بن ابی ساره، امام صادق (ع) در علت رو بودن گزاردن نماز در لباس آلوده به خمر فرمود: «لباس که مست کننده نیست» ^{۷۹} و این دلیل، دیگر سُکرآورها را نیز در بر می گیرد.

از آنچه تاکنون گفتیم، به دست می آید که نوشیدنیهای سُکرآور که در عرف، زیر عنوان خمر قرار نمی گیرند، پاک هستند؛ اما نوشیدن آنها حرام است.

فتواها: حضرت امام ^{۸۰}، آقایان: اراکی ^{۸۱} و گلپایگانی ^{۸۲} در رساله های

خود نوشته اند:

«شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند، چنانچه به

خودی خود روان باشد، نجس است ...»

آقایان: خونی ^{۸۳}، تبریزی ^{۸۴} و مکارم شیرازی ^{۸۵}، آب مایه های سُکرآور را

به احتیاط و جویبی نجس دانسته اند.



آقای سیستانی^{۸۶}، آب مایه های مستی آور را نجس نمی داند و نجس بودن آنها را تنها یک احتیاط مستحب دانسته است.

الکل و حکم آن

پیش از ورود به بحث، لازم است به نکته های زیر توجه شود:

۱. سخن از پاکی الکل، بستگی بر حکم خاصی در مورد خمر و یا آب مایه های سُکر آور ندارد. چه بسا شخصی به نجس بودن خمر و آب مایه های سُکر آور باور داشته باشد، اما حکم به پاکی الکل بکند.

۲. موضوع شناسی در فقه یکی از وظیفه ها و رسالت های مهم و اساسی هر فقیهی است. هر فقیهی بخواهد حکم موضوعها و گزاره ها را به روشنی بیان کند، ناگزیر باید موضوع را دقیق و کالبدشکافانه بشناسد.

برخلاف آنچه گفته می شود: موضوع شناسی از دایره و قلمرو وظیفه فقیه خارج است، شناخت موضوع و حکم شناسی هر دو وظیفه مهم فقیهان است. چون شناخت حکم، به طور دقیق و کامل از شناخت موضوع اثر می پذیرد و به میزانی که دانستیهای فقیه نسبت به موضوع، از حیث چندی و چگونگی، بیش تر و ژرف تر باشد، فتوای او نیز از استواری و اعتبار بیش تری برخوردار خواهد بود.

آگاهیهای بیرونی فقیه درباره موضوع حکم است که فهم تازه ای از نصها و منبعهای فقهی بهره او خواهد کرد. این آگاهیها، به سازواری و تناسب باید از علوم غیردینی و غیرحوزوی و بیش تر، علوم تجربی گرفته شود.^{۸۷}

الکل و فرآورده های آن، از آن موردهاست که هر فقیهی، ناگزیر به شناخت دقیق آن است. و همین بی توجهی به شناخت آن، سبب شده است در کلام فقهای معاصر، گونه ای از ناسازگاری و ناهمخوانی در بیان حکم دیده شود. و ما در بخشهای آینده، به شرح، در این باره سخن خواهیم گفت.



اما پیش از ورود به حکم الکل و فراورده‌های آن، همان‌گونه که گفته شد، بایسته است از الکلها شناخت کافی به دست آوریم.

الف. شناخت الکلها: ۱. تاریخچه کشف الکل و معنای آن: نخستین بار ابوبکر محمد بن زکریای رازی، پزشک و شیمیدان ایرانی در قرن سوم هجری، از تقطیر شراب ماده‌ای به دست آورد و نام آن را الکل گذاشت. کُحل، در اصطلاح پیشینیان، به معنای سرمه است که برای زینت و چهره‌آرایی به چشم می‌مالیده و برای آن خاصیت دارویی باور داشته‌اند. سپسها در درمان بیماریهای چشم، از برخی سنگهای معدنی نیز استفاده می‌کردند. و از دیگر سو، چون بیش‌تر داروهای چشمی آن زمان از منابع طبیعی، بویژه از سنگهای معدنی تهیه می‌شدند، (مانند کات کبود که از سنگهای معادن مسی و به کمک جوهر گوگرد تهیه می‌شود) و بعنوان جوهر معروف بودند؛ یعنی جوهر سنگها یا ماده‌ی اثرگذار سنگها. از این روی کلمه کُحل که به این‌گونه داروهای چشمی گفته می‌شد، کم‌کم به معنای جوهر نیز در اصطلاحات عرفی و طبّی و حتی ادبی وارد گردید.

به نظر می‌رسد ابوزکریای رازی نیز عنوان کُحل را به معنای جوهر یا ماده‌ی اثرگذار در نظر گرفته و سپس آن را به صورت اسم خاص برای ماده‌ی اثرگذار در شراب برگزیده است.

چنانکه در زبان لاتین نیز، پس از شناختن الکل در کتابهای شرقی و آشنایی به نامگذاری زکریای رازی، عنوان Esprit (اسپری) را به معنای روح، یا جوهر، یا ماده‌ی اصلی به الکل دادند و الکل اتیلیک را در زبان فرانسه، بویژه در کتابهای علمی و داروسازی به عنوان Spritduvin یعنی «در روح شراب» یا «جوهر شراب» نامیدند.



در زبان انگلیسی نیز، هم معنی و در ردیف همان کلمه و اصطلاح، یعنی sprit of wine یا همان معنی عینی روح شراب یا جوهر شراب در کتابهای علمی مصطلح است. همچنین در زبان روسی Sprit به معنای الکل مصطلح است. و اسپری به معنای جوهر شراب است.^{۸۸}

۲. الکل چیست؟ در علم شیمی، هر جسم شیمیایی که از یک هیدروژن و یک اکسیژن تشکیل یافته به صورت OH نمایان و شناخته می شود، الکل گویند. و از این روست که از نظر علم شیمی، بسیاری از ماده ها، مانند اسید تارتریک موجود در آبغوره و تارتراهای موجود در انگور و کشمش و دوشاب و سرکه و گلیسیرین موجود در روغن ها و کره ها و گلیسیرین خالص طبی را نیز، علم شیمی الکل می داند.

الکلها، مانند آب، اجسامی آمفی پروتیک اند و می توانند در برابر اسیدهای بسیار قوی به صورت بازبرونستند (پذیرنده پروتون) و در مقابل بازهای قوی، به صورت اسید برونستند (دهنده پروتون) عمل کنند.^{۸۹}

یک الکل از نظر ساختمانی ترکیبی از یک آلکان و آب است.^{۹۰}

۳. گونه های الکل: الکلها را ممکن است بر حسب تعداد بنیانهای الکیل موجود بر روی اتم کربنی ها، که حامل است به الکلهای نوع اول primary، الکلهای نوع دوم secondary، و الکلهای گونه سوم tertiary طبقه بندی کرد. از میان الکلها متانول (متیل الکل) و اتانول (اتیل الکل) از همه مهم تر است.

۴. نام گذاری الکلها: الکلها را می توان به دو روش نام گذاری کرد: نخست آن که به آخر اسم هیدروکربوری که الکل از آن مشتق می شود کلمه آل (اه) بیفزایند، مانند متانول، اتانول، پروپانول و غیره و دو این که نام گروه آلکیل کلمه الکل بیفزایند، مانند متیل الکل، بوتیل الکل و اتیل الکل.^{۹۱}

۵. متانول. متیل الکل (الکل متیلیک) (Methyl)(ch_3oh)



این ماده الکلی، دارای نقطه ذوب^{۹۷} و نقطه جوش^{۶۴/۵} است. متیل الکل به عنوان الکل چوب شناخته شده است. زیرا می توان آن را از تقطیر تخریبی چوب به دست آورد^{۹۲}. چون اگر چوب را در ظرف سر بسته بدون هوا، تا ۳۰۰ گرم کنند، متیل الکل به دست می آید. در صنعت، بیش تر متیل الکل مورد نیاز را از واکنش گازهای مونواکسید کربن و هیدروژن در مجاورت کاتالیزور اکسید روی، تهیه می کنند.^{۹۳}

متیل الکل بسیار سمی است. آشامیدن آن، سبب کوری و حتی مرگ می شود. به عنوان حلال و ماده اولیه برای تهیه بسیاری از ترکیبهای آلی، به طور گسترده به کار می رود.^{۹۴} همچنان که خواهد آمد، این الکل غیر از الکل صنعتی است.

۶. اتانول (الکل اتیلیک) - اتیل الکل: اتیل الکل (CH_3CH_2OH) نه تنها قدیمی ترین ترکیب شیمیایی آلی سنتزی است که به وسیله بشر مورد استفاده قرار گرفته است، بلکه یکی از مهم ترین ترکیبهای آلی نیز به شمار می آید.^{۹۵} اگر الکل، بدون هیچ پسونند و یا پیشوندی به کار رود، مقصود الکل اتیلیک با اتانول است. و در این نوشتار نیز، هر کجا واژه الکل، بدون افزودن کلمه دیگر، به کار بریم، مراد همین نوع الکل است. این همان الکلی است که رازی آن را کشف کرده است.

ب. ویژگیهای الکل و کاربرد آن: الکل اتیلیک در ۷۸/۳ درجه سانتی گراد به جوش می آید و در ۱۱۵- درجه ذوب می شود. الکل اتیلیک، آب مایه ای است بی رنگ، با بویی ویژه.^{۹۶}

در صنعت، اتیل الکل به گونه گسترده ای به عنوان حلال برای ساختن لاک، براق کننده ها، عطرها اسانسها به کار می رود.^{۹۷} همچنین از این



ترکیب به عنوان محیطی برای انجام واکنشهای شیمیایی و در تبلور استفاده می شود. به علاوه اتیل الکل یک ماده خام بسیار مهم در سنتز ترکیبهای دیگر است.

الکل، نه تنها فرآورده ای برای مصرف، بلکه در تهیه فرآورده هایی همچون دهان شوی، دمای سرفه، ضد عفونی کننده ها، پاک کننده ها و داروی موی سر مورد استفاده قرار می گیرد.^{۹۸}

الکل اتیلیک (اتانل) ماده آرامبخش و خواب آوری است که به عنوان یک داروی اجتماعی مصرف می شود. اتانل و بسیاری از الکل های دیگر با اثرهای سمی بالقوه، در صنایع شیمیایی به کار می روند و مصرف صنعتی پاره ای از آنها زیاد است.^{۹۹}

۱. فارماکولوژی پایه اتانول: اتانول (C_2H_5OH) یک مولکول کوچک محلول در آب است که به سرعت و به طور کامل از دستگاه گوارش جذب می شود. بخار الکل نیز می تواند به آسانی از راه ریه ها جذب شود. پس از نوشیدن الکل در حالت ناشتا، در ۳۰ دقیقه، سطح خونی آن به بالاترین حد می رسد. وجود غذا در معده، جذب الکل را به واپس می اندازد. الکل، خیلی زود پخش می شود و پرمایگی و غلظت بافتی آن خیلی زود به حد پرمایگی و غلظت خونی می رسد. حجم توزیع آن کم و بیش ۰/۷ لیتر بر کیلوگرم است.

بیش از ۹۰٪ از الکل مصرف شده در کبد اکسیده می شود و باقی مانده آن از راه ریه و ادرار خارج می شود. بسیار نوشیدن آن در دراز مدت، سبب پیدایش تحمل و وابستگی فیزیکی می شود. تحمل نسبت به آثار سمی الکل فرایند پیچیده ای است که در اثر دگرگونیهای متابولیسم و دگرگونیهای کم تر شناخته شده ای در سیستم اعصاب به وجود می آید.



مصرف حاد الکل بر روی سلسله اعصاب مرکزی اثر فراوان می گذارد. الکل می تواند به آرامش بینجامد و نگرانی و دلهره را به ظاهر برطرف کند و سبب آشفتگی در سخن گفتن، آناکسی، آشفتگی در داوری، رفتارهای غیر ارادی، به دیگر سخن، حالت مستی (Drunkenness) گردد. این اثرها و پیامدها در هنگام افزایش سطح خونی الکل بیش تر خود را می نمایاند و آشکار می سازد.

اتانل، روی شمار زیادی از فرایندهای مولکولی، اثر می گذارد، اما در حال حاضر صاحب نظران قبول دارند که دو جای اصلی اثر الکل، عبارتند از: غشاهای سلولی و آنزیمهای موجود در مغز، همچنین تضعیف قابل توجه عضله میوکارد قلب در اثر مصرف مقادیر متوسط الکل (یعنی پرمایگی و غلظت حدود ۱۰۰ میلی گرم بر دسی لیتر) دیده شده است. افزون بر آن، اتانل گشادکننده عروق است. اتانل، همچنین سبب شل شدن رحم می شود و تزریق وریدی آن در گذشته، برای جلوگیری از زایمان پیش رس، مورد استفاده بوده است.

۲. پیامدهای مصرف زیاد الکل در دراز مدت: در منابع پزشکی، آگاهیهای کمی در زمینه پیوند و بستگی دقیق بین مصرف زیاد الکل و آسیب اعضای حیاتی یافت می شود. با این وجود، چندین مطالعه با دقتها و بررسیهای مناسب نشان داده است که: نوشیدن مرتب الکل به مقدار ۵-۳ جرعه در روز، میزان مرگ و میر را بالا می برد. میزان خطر به گونه روشن و آشکار در محدوده ۶ جرعه و بیش تر در روز افزایش می یابد. مرگ و میر نوشندگان الکل، بیش تر بر اثر بیماری کبدی، سرطان، خودکشی و ... است.

الف. کبد و دستگاه گوارش: نوشیدن زیاد الکل، یک سلسله آشفتگیهای



متابولیک را به وجود می آورد که نتیجه آنها آسیب کبد و دستگاه گوارش است. دیگر قسمت‌های دستگاه گوارش نیز، ممکن است در اثر الکل آسیب ببینند. نوشیدن الکل، سبب افزایش تراوشهای معده و لوزالمعده می شود و سُدّه‌های مخاطی را آشفته می سازد. در نتیجه، بیش تر، خون ریزی شدید معده را در پی دارد.

الکل همچنین، به روده کوچک آسیب می رساند که به اسهال، کاهش وزن و کمبود گونه گون ویتامینها می انجامد.

ب. سیستم عصبی: همان گونه که پیش از این اشاره شد، مصرف مزمن الکل در دراز مدت، سبب وابستگی فیزیکی می شود. هنگامی که بیمار برای ترک مصرف یا کاهش مصرف الکل زیر فشار قرار می گیرد، نشانه های قطع مصرف در او آشکار می شود که در حالت‌های سبک، به صورت ناآرامی و هیجان و انگیزش و در حالت‌های سخت، به صورت لرزشها و آشفتگیهای سایکوز توکسیک و دلیریوم ترمنس است. مصرف زیاد الکل، بیش تر به آشفتگی حافظه نزدیک می شود. مصرف زیاد الکل برای درازمدت سبب پاره ای بیماریهای عصبی، از جمله آشفتگی در اعمال هوشی و حرکتی، بی ثباتی هیجانی، کاهش شدت ادراک حسی و فراموشی می گردد.

الکل از بینایی می کاهد؛ به طوری که پس از چندین هفته نوشیدن زیاد الکل یک نوع تیرگی بینایی دو طرفه بروز می کند. همچنین مصرف جانشینهای اتانل، مانند متانل، سبب آشفتگی شدید بینایی می شود.

ج. سیستم قلبی عروقی: بین مقدار الکل مصرف شده و افزایش فشار خون پیوند مستقیمی وجود دارد که جدای از چاقی، مصرف نمک، نوشیدن قهوه یا کشیدن سیگار است.

همچنین یک سری مطالعات نشان داده است که مصرف زیاد اتانل، در



دراز مدت می‌تواند کارکرد سیستم ایمنی را تغییر دهد. افزون بر آن، نوشیدن دراز مدت الکل، خطر بروز سرطان حلق، دهان، حنجره، مری و کبد را افزایش می‌دهد. اثر مشروبات الکلی بر سیستم کبدی نیز، غیر درخور انکار است. چون مشروبات الکلی، ممکن است در بردارنده و دارای ترکیبهای بالقوه سرطان‌زایی باشند که در اثر تخمیر یا در مراحل تهیه، تولید شده و می‌توانند کارکردهای کبدی را تغییر داده که در نتیجه، پتانسیل کارکرد مواد سرطان‌زا افزایش می‌یابد.

۳. فارماکولوژی بالینی اتانل: اتانل، از ضعیف‌ترین داروهای مورد استفاده انسان است و در عین حال عوارض و مرگ و میر آن از نظر شیوع بیش از مجموع کلیه داروهای دیگر، به غیر از تنباکوست.

این موضوع درست است که نوشیدن مقدار کم الکل، با اثرهای آرامبخشی و خواب‌آور، کاهش نشانه‌ها و دگرگونیهای هورمونی همراه با استرس و حتی در پاره‌ای مطالعه‌ها، با کاهش در ریسک حمله‌های قلبی است.

هرچند تعریف عارضه‌ای که به نام الکلیسم شناخته شده، بسیار دشوار است، لیکن مطالعه‌های اپیدمیولوژیک مصرف الکل، آگاهیهای مهمی از دشواریهای فیزیکی و روانی معتادان به الکل، به دست داده است. حدود ۸۰٪ بالغان، در ایالات متحده آمریکا، مشروبات الکلی می‌نوشند. برآورد می‌کنند: حدود ۵ تا ۱۰٪ مردان بالغ این اجتماع در زمانی از طول زندگی خود، با گرفتاریها و دشواریهای ناشی از مصرف الکل روبه‌رو می‌شوند. در زنان الکلیک، زودتر از مردان، آسیبهای مغزی و کبدی شروع می‌شود.

بررسیهای جدید روی ۹۰۰۰۰ زن و مرد که حاضر شده‌اند در طول تجربه ۱۰ ساله بارها معاینه شوند، این نکته را نشان داده که نوشندگان ۶ پیمانه



مشروب در روز، یا بیش تر میزان مرگ و میری دو برابر طبیعی داشته اند و با ۳ تا ۵ پیمانانه در روز میزان مرگ ۴۰ تا ۵۰٪ زیادتر از معمول بوده است. سرطان، سیروز کبدی و حوادث، به طور نمایان و آشکار در افزایش میزان مرگ و میر نوشندگان مواد الکلی، به مقدار زیاد نقش داشته است. دخانیات که در بین الکلیک ها، بیش از اندازه رواج دارد، ممکن است خود یکی از عوامل خطر مرگ بیش تر این افراد باشد.

دستآورد و نتیجه های به دست آمده از این بررسیها، گویای آن است که خطر افزایش مرگ در اثر نوشیدن الکل، دارای یک آستانه است که این آستانه از حد ۲ تا ۳ پیمانانه در روز شروع می شود و میزان خطر با ۶ پیمانانه در روز بیش تر از آن به شدت افزایش می یابد. همچنین گواه ها و شاهدهایی در دست است که نوشیدن کم الکل (در مثل یک آبجو در روز) خطر بروز انفارکتوس میوکارد را در مقایسه با افرادی که هرگز الکل مصرف نمی کنند، کاهش می دهد.

تحقیق در زمینه کشف اتیولوژیک خاص، یا شناخت متغیرهای زمینه ساز اعتیاد به الکل با نتیجه های ناامید کننده ای همراه بوده است. شخصیت فرد، فشارهای شدید زندگی، آشفتگیهای روانی و تقلید از والدین هیچ یک نمی تواند عامل پیشگویی اطمینان بخشی در اعتیاد به الکل باشد. قدر مسلم آن است که اعتیاد به الکل، در جامعه های گوناگون، یک سان نیست و شیوع این اعتیاد، گویا در وابستگان معتادان، بیش تر از دیگر افراد اجتماع است (Devov, 1989) میزان شیوع الکلیسم در کسانی که یکی از والدین آنان الکلی بوده اند، چهار برابر دیگر کسان است، این یافته، هم اکنون در بررسیهای بسیار ثابت شده است. با این همه، روشن کردن و باز نمود سهم هر یک از انگیزه ها و عاملها، مانند بدآموزیهای خانوادگی، یا انگیزه های ارثی و مانند آن



در پدید آوردن اعتیاد به الکل دشوار است، لیکن شاهدها و نشانه های حاضر حاکی از این است که عاملها و سببهای ژنتیک در تعیین میزان مصرف الکل توسط فرد و همچنین عوارض پزشکی نقش دارند.^{۱۰۰}

۴. مسموم شدگی حاد الکلیک: در کسانی که توانایی نوشیدن الکل زیاد را ندارند، همان پیامدها و اثرهای کلاسیک مسموم شدگی با داروهای آرامبخش و خواب آور همراه با آثار قلبی (اتساع عروق) و برانگیزانندگی دستگاه گوارش بروز می کند، چون توانایی یک کیفیت مطلق نیست، حتی معتادان به الکل نیز در اثر مصرف بیش از اندازه توان پیشین، ممکن است دچار مسموم شدگی شدید گردند، درجه مسموم شدگی بستگی به سه عامل دارد: پرمایگی و غلیظ بودن اتانل خون، سرعت افزایش پرمایگی و غلیظی الکل در خون و مدت زمانی که این غلیظی و پرمایگی ثابت می ماند. سیر نوشیدن الکل، چگونگی سطح جذب در دستگاه گوارش و وجود داروهای دیگر در بدن نیز در تعیین درجه مسموم شدگی نقش دارند.

مقدار کشنده الکل، به سبب ناسانی درجه و پایه توان کسان، تا اندازه ای دگرگون شونده است. یک فرد بالغ بدون توان، می تواند ۱۰-۷ گرم الکل در هر ساعت متابولیزه کند (اتانل موجود در ۳۰ میلی لیتر [یک گلاس] ویسکی، یک قوطی آبجو یا یک گلاس شراب تقویت کننده. unfortified)

تعریف قانونی مسموم شدگی با الکل در ایالات متحده امریکا در حالت های گوناگون فرق می کند، ولی پرمایگی و غلظت خونی ۸۰ میلی گرم در دسی لیتر (۱۷ میلی مول در لیتر) یا بیش تر به عنوان پرمایگی و غلیظی کافی برای نارسایی قضاوت و مهارتها و محکومیت در رویدادهای رانندگی، انگاشته می شود. میانگین پرمایگی و غلیظی الکل در حالت هایی که به مرگ می انجامد، حدود ۴۰۰ میلی گرم بر دسی لیتر است.^{۱۰۱}



در رساله های موجود و فتاوی فقیهان عصر حاضر، الکل صنعتی از الکل طبی جدا و حکم جداگانه ای برای آن بیان شده است، در حالی که با شرحی که داده شده، الکل صنعتی همان الکل اتیلیک است. بدین صورت که برای کارهای صنعتی، در حدود ۰.۵٪ الکل متیلیک، ۰.۵٪ از یک ماده شیمیایی بدبو، مانند متانل و یک ماده رنگی بنفش، مانند پیریدین، به الکل اتیلیک می افزایند، تا قابل آشامیدن نباشد و به آسانی از الکل طبی، بازشناخته شود. این الکل را الکل صنعتی یا الکل تقلیلی می نامند.

است. بی هوشی درازمدت، لرزش، و اسیدوز مقاوم، همگی نشان دهنده بد بودن پیش آگهی مسموم شدگی است. ۱۰۲

ج. روشهای تهیه الکل: اتیل الکل یا اتانول از راههای گوناگونی تهیه می شود. به طور کلی می توان گفت: دو روش برای تهیه الکل وجود دارد: روش طبیعی (تخمیر) و روش صنعتی.

۱. روش سرشتن (تخمیر): چند هزار سال است که اتیل الکل، یعنی الکلی را که در نوشابه های الکلی وجود دارد، از سرشتن و خمیر کردن قندهای طبیعی و نشاسته به دست می آورند. هم اکنون نیز بخش بزرگی از اتیل الکل مورد نیاز جهان از این راه تهیه می شود. برای مثال، بر روی پوست دانه های انگور، مخمّری وجود دارد که وقتی دانه های انگور را خرد می کنند، آنزیم زیمار تولید شده این مخمّر، موجب تخمیر قند انگور - گلوکز - می شود و شراب به وجود می آید.

این آب مایه، درجه الکلی بسیار پایینی دارد. استفاده از غلات یکی از راه های تولید الکل اتیلیک به شمار می آید. ابتدا دانه ها آسیاب شده و با آب درآمیخته و سپس در دیگ بخار تحت فشار، گرما داده می شود. این عمل،

موجب ژلاتینی شدن نشاسته موجود در دانه‌ها می‌گردد. ماده‌های در هم آمیخته، به درون خمیره‌ای ریخته، تا حرارت ۶۰ درجه سانتیگراد (۱۴۰ درجه فارنهایت) سرد می‌شود، سپس آنزیم آمیلاز، برای برگردانیدن نشاسته به قند ساده، بویژه گلوکز به محیط افزوده می‌گردد که این، شرایط ایجاد ۹۵ درصد تولید ممکنه از لحاظ تئوریک محصول را مهیا می‌سازد. هنگامی که محلول قندی حاصل تا حدود ۳۲-۲۶ درجه سانتیگراد (۹۰-۸۰ درجه فارنهایت) سرد شد، به خمیره تخمیر انتقال و به آن سلولهای مخمیری اضافه می‌شود. مخمر ایجاد محلول الکلی با غلظت ۱۲-۸٪ می‌کند که در مراحل بعد، از داخل دو لوله تقطیر عبور داده می‌شود و در این حالت، الکل از بقایای دانه‌ها جدا می‌گردد. اولین لوله تقطیر یک محلول ۵۰٪ الکل (درجه ۱۰۰) تولید و دومین لوله غلظت الکل را به ۹۵٪ (درجه ۱۹۰) می‌رساند. در نهایت، محلول حاصل آبگیری می‌شود تا یک الکل اتیلیک خالص با درجه ۲۰۰ به دست آید. از بقایای دانه‌ها که حاوی ۳۰-۲۲٪ پروتئین است، می‌توان به عنوان غذای چهارپایان استفاده کرد.^{۱۰۳}

الکل، بیش‌تر از تخمیر ملاس به دست می‌آید. به این ترتیب که ملاس به دستگاه تخمیر با گنجایش ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ گالن و محتوی سولفات آمونیوم و فسفات به عنوان منبع نیتروژن، گوگرد، فسفر و بافر با $PH=4/5$ افزوده می‌شود. پس از آن که مخمر ساکارومیسس سرویزیه، به مجموعه اضافه گردید، محیط کشت مرتب تکان داده می‌شود و به مدت ۴۸ ساعت در حرارت ۲۵ درجه سانتیگراد قرار می‌گیرد. در نتیجه، محلولی به وجود می‌آید که دارای غلظت الکلی ۱۰ تا ۱۴ درصد است. در مجموع، افزون بر الکل، مقدار کمی از مواد ترکیبی دیگر نیز وجود دارد.^{۱۰۴}

۲. روش صنعتی: مواد اولیه، جهت تهیه الکل به روش صنعتی، از منابع



طبیعی مواد اولیه آلی، یعنی نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، و توده‌های زیستی به دست می‌آید.

این روشها عبارتند از:

۱. هیدراسیون آلکلنهای بدست آمده از کراکنینگ نفت.

۲. فرآیند اکسو از آلکلنها، کربن منواکسید و هیدروژن.

از این ماده‌ها، در فرایندهای پیچیده، الکل اتیل به دست می‌آید. در این فرایند، اجزای خاصی از مواد نفتی، که شایستگی بدل شدن به الکل را دارند، جدا و این اجزا از میان محفظه خاصی که ۴۰۰ تا ۶۰۰ درجه فارنهایت حرارت دارد می‌گذرد. در این درجه حرارت، مولکولهای آلی مواد نفتی شکسته و به مولکولهای کوچک‌تر، دگر می‌شود.

این روش، انرژی بسیاری لازم دارد، از این روی، پرخرج است.

روش ارزان‌تر و قدیمی‌تر ساخت الکل، همان تخمیر و سرشتن ترکیبهای

قندی به وسیله مخمرها و تولید الکل اتیلیک است. ۱۰۵

۳. الکل تقطیری به عنوان سوخت: در سالهای اخیر، به خاطر کمبود

انرژی، علاقه به استفاده دوباره از الکل اتیلیک، به عنوان سوخت مایع در

اتومبیلها، سیستم گرم‌کننده خانه‌ها و ... به وجود آمده است. در حقیقت، این

کار تازه‌ای نیست. در گذشته‌های دور از الکل برای روشنایی و گرم کردن

اجاقها استفاده می‌شده است. الکل اتیلیک ممکن است به عنوان سوخت مایع

در ترکیب با بنزین و یا به عنوان الکل خالص حاصل از غلات (با درجه ۹۵)

استفاده گردد. استفاده از این نوع الکل، برای سوخت موتوری، دارای

برتریهای ویژه‌ای است. این نوع سوخت را می‌توان با یک دگرگونی کوچک

در موتورها، با کارایی همانند بنزین اکتان، که از ایجاد صدای موتور جلوگیری



می کند، استفاده کرد.

سوختاری و آتش گرفتگی (احتراق) در این شرایط، کامل است، به گونه ای که گازهای سمی، بسیار کم نشر می یابند و سمی بودن آن نیز، کم تر از گازی است که از سوخت بنزین حاصل می شود.

موتورهایی که از الکل استفاده می کنند، ۲۰ تا ۴۰ درجه فارنهایت سردتر از موتورهای دیگرند و احتمال داغ کردن آنها کاهش می یابد. ۱۰۶

۳. استفاده از الکل جهت ساخت داروهای آرام بخش - خواب آور: الکلها یکی از ترکیبهای آرام بخش - خواب آوریند که امروزه مورد استفاده قرار می گیرند. اثر آرام بخش - خواب آور الکل از قرنهای پیش شناخته شده است. با این وجود، نخستین عضو این گروه؛ یعنی متانول، به دلیل پدید آوری کوری مصرف دارویی نداشته و استفاده درمانی از اتانول نیز، که نمونه ای از یک الکل با اثر آرام بخش - خواب آور است، به دلیل پدید آوری الکلیسم بازداشته شده است و بیش تر از آن برای نشاط آوری استفاده می شود.

اما با این حال، الکلهایی مانند: اتکلروینول و متیل پنتینول هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرند. ۱۰۷

اتکلروینول: این ترکیب در سال ۱۹۵۵ به عنوان یک داروی آرام بخش - خواب آور ملایم معرفی و وارد بازار گردید. از این دارو، بیش تر برای القای خواب در بیمارانی که مبتلا به کم خوابی (insomnia) ساده هستند (دوز ۵۰۰ میلیگرم) و یا به عنوان آرام بخش روزانه (دوز ۱۰۰ - ۲۰۰ میلیگرم) استفاده می شود. اثر آن، خیلی زود ظاهر می شود و حدود پنج ساعت دوام می یابد. اتکلروینول، آب مایه بی رنگ و یا متمایل به زرد با بوی تند است و رنگ آن در اثر نور و یا هوا تیره می گردد.

متیل پنتینول: آب مایه بی رنگ و یا گرایا و میل کرده به زرد، با نقطه جوش



۱۲۰ درجه است که در آب حلّ و با حلّ کننده های آلی مانند اتر، کلر و فرم و اتانول درآمیخته می شود. این ترکیب، افزون بر اثر خواب آور، دارای اثر آرامش بخش نیز بوده و می تواند احساس ترس و آشفتگیها و اختلالهای عصبی را از بین ببرد. اثر دارویی آن، به سرعت بروز و در زمانی کوتاه (حدود دو ساعت) از بین می رود.^{۱۰۸}

۴. سرم الکل: همان گونه که گفته شد، نوشیدن مقدار زیاد الکل، سبب مسموم شدگی می گردد. یکی از راه های ویژه درمان مسموم شدگی شدید با متانل، وقفه متابولیزم متانل به وسیله تزریق محلول ۱۰٪ اتانل از راه وریدی است.^{۱۰۹}

۵. الکل صنعتی چیست؟ در رساله های موجود و فتاوی فقیهان عصر حاضر، الکل صنعتی از الکل طبی جدا و حکم جداگانه ای برای آن بیان شده است، در حالی که با شرحی که داده شده، الکل صنعتی همان الکل اتیلیک است. بدین صورت که برای کارهای صنعتی، در حدود ۵٪ الکل متیلیک، ۵٪ از یک ماده شیمیایی بدبو، مانند متانل و یک ماده رنگی بنفش، مانند پیریدین، به الکل اتیلیک می افزایند، تا قابل آشامیدن نباشد و به آسانی از الکل طبی، باز شناخته شود. این الکل را الکل صنعتی یا الکل تقلیلی می نامند. الکل متیلیک - متانول - و پیریدین، بسیار سمّی هستند و با تقطیر ساده، نمی توان آنها را از الکل اتیلیک جدا کرد.^{۱۱۰}

پس الکل صنعتی، همان الکل اتیلیک است که به علّت ناخالصی ها و مواد سمّی موجود در آن، قابل شرب نیست.

د. بررسی فقهی الکلهای: پیش از این یادآور شدیم، الکلهای دارای گونه های گوناگونند. دو گونه مهم آن، متانول یا متیل الکل و اتانول یا اتیل الکل است. اتیل الکل نیز خود به دو قسم الکل طبی و الکل صنعتی تقسیم می گردد. با



توجه به این که در بخشهای پیشین، گونه های الکلهارا از جهت موضوعی شناختیم، در این بخش، حکم هر یک از آنها را به شرح بیان خواهیم نمود. پیش از آن، یادآوری این نکته بایسته است که الکل، از گزاره ها و موضوعهای جدیدی است که در عصر تشریح موجود نبوده است. از این روی، واژه الکل در کتابها و آثار فقهی و دلیلهای اجتهادی، یافت نمی شود. اما از آن جا که الکل، همان جوهر خمر و روح شراب است، شاید گفته شود: دلیلهای پاکی، یا نجسی خمر، این نوع الکل را در بر می گیرد و از نظر موضوع، حکم یاد شده، آن را پوشش می دهد و یا این که الکل، خود، به عنوان آب مایه های مستی آور، مصداق روایات بالا قرار می گیرند. از این روی، در این بررسی، این دو گزاره، باید روشن گردند:

۱. الکل، همان خمر اصطلاحی است.

۲. الکل، آب مایه مستی آور است.

و این دو گزاره بر این پیش فرض استوار است که خمر و آب مایه های سُکر آور نجس باشند و گرنه اگر دلیلهای از ثابت کردن نجس بودن خمر و آب مایه های سُکر آور، ناتوان باشند، سخن از پاکی و نجسی آن جایی نخواهد داشت.

در هر حال، در این جا، به احکام الکله اشاره خواهیم کرد:

۱. بررسی فقهی الکل متانول-متیلیک- و ... : این الکل، که همان الکل چوب است، همان گونه که گذشت، آب مایه ای است سمّی و غیر درخور شرب.

ساختمان مولکولی آن، با اتیل الکل و دیگر الکلها، چون: اتکلروینول و متیل پتیتون، فرق دارد. موضوع این رساله، بررسی این گونه الکل نیست؛ زیرا این الکل، نه مست کننده است و نه عنوان خمر بر آن صادق است.



۲. بررسی فقهی الکل صنعتی: این الکل، همان گونه که بیان شد، از نظر ساختمان مولکولی و ماهیت شیمیایی، هیچ فرقی با الکل طبی- تخمیری- ندارد و هر دو، دارای فرمول یکسانی هستند؛ مگر این که در این نوع الکل، مواد سمّی و رنگی وجود دارد که آن را غیر درخور شرب کرده است.

در بررسی فقهی این گونه الکل، باید گفت: به طور قطع این الکل، نمی تواند مصداق خمر باشد. اما باید دید آیا می تواند مصداق آب مایه های سُکرآور باشد، یا خیر؟

گفته شده است به دلیل پرمایگی و غلیظی الکل موجود در آن، ماده ای سمّی و غیر درخور شرب است و در عرف به این ماده، سُکرآور گفته نمی شود. با توجه به این که این الکل، با الکل تخمیری فرقی ندارد، از حکم یکسانی برخوردارند و با روشن شدن حکم الکل تخمیری، حکم الکل صنعتی نیز روشن خواهد شد.

۳. بررسی فقهی الکل تخمیری: در این بخش و بررسی فقهی الکل تخمیری، ابتدا از دلیلهای نجس بودن خمر سخن به میان می آید، آن گاه از دلیلهای پاک بودن آن.

در بررسی دلیلهای نجسی خمر، سه دلیل ارائه می شود به این ترتیب:
اول. اطلاق خمر بر الکل تخمیری: ممکن است گفته شود: این الکل، به دلیل آن که همان جوهر شراب و ماده اصلی خمر است، می تواند مصداق خمر قرار بگیرد. به دیگر سخن، آب مایه، همان شراب اصطلاحی شرعی است. تنها فرق میان این الکل و شراب، درصد الکل موجود در آن است.

نقد دلیل: ما در بخش شناخت موضوعی خمر و الکل، به شرح، ویژگیهای



هر یک از آنها را بیان کردیم و یادآور شدیم که چه ناسانیهایی با هم دارند. آنچه از سخنان پیشین به دست می آید این است که شراب انگوری یا همان خمر، غیر از الکل طبی و تخمیری است و عرف، میان این دو، فرق می بیند.

دوم، سُکرآور بودن الکل تخمیری: برای ثابت کردن نجسی الکل تخمیری، گفته شده است: این ماده سُکرآور قوی است که مصرف کم آن برای مردمان عادی، که معتاد به نوشیدن خمر نیستند، پیامدهای خطرناکی را به بار می آورد که از آن به عنوان پیامدهای مسموم شدگی نام برده می شود و همانند پیامدهایی است که برای کسانی که در نوشیدن خمر، زیاده روی می کنند، به وجود می آید. زیرا، همان گونه که گفته شد: مستی عبارت است از: تخدیر نسبی، یا کامل جاها و کانونهای مهم و حساس مغزی که ممکن است برابر شدت و ضعف مستی؛ یعنی، برابر چند و چونی ماده سُکرآور به بدن، یک، یا دو، یا چند مرکز مغزی و در صورت استفاده بسیار زیاد آن، تمام مغز را تخدیر کند و نشانه های آن نیز، برابر شدت و ضعف آن ناسان است. الکل طبی، به سبب غلیظی و پرمایگی الکی آن، سبب تخدیر کامل می گردد. همان گونه که نوشیدن زیاد نوشابه های الکی و عرق، موجب مستی کامل و مسموم شدگی و مرگ نوشنده را در پی خواهد داشت، نوشیدن همان نسبت از الکل نیز، سبب مسموم شدگی خواهد شد.

به دیگر سخن، نوشیدن یک لیتر ویسکی، در یک ساعت که حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلی لیتر الکل دارد، در بزرگسالان سبب مرگ خواهد شد. ^{۱۱۱} حال یک شخص چه یک لیتر ویسکی بنوشد و چه ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلی لیتر الکل بنوشد، در هر دو حال، سبب مسموم شدگی و مرگ خواهد شد.

از این روی، می توان چنین گفت: سمی بودن این ماده، بستگی به مقدار



و نوشنده و حتی زمان نوشیدن دارد. بدون اینها، نمی توان ماده ای را سمّی قلمداد کرد. افزون بر این، دلیل اصلی حرام و نجس بودن آب مایه های سکرآور، همان وجود ماده اصلی اسکار-الکل در آن است.

سوم. الکل تخمیری همان ماده اصلی خمر است: همان گونه که گفته شد، الکل تخمیری، همان جوهر اصلی شراب است. بدین صورت که شراب را حرارت می دهند و چون دمای جوش الکل پایین تر از دمای جوش آب است، زودتر بخار می شود و به صورت گاز در می آید و آن گاه بخار به دست آمده را سرد و چکه چکه آب مایه می گیرند. بدین ترتیب، الکل از شراب جدا می گردد. توجه به چگونگی به دست آمدن الکل تخمیری، نشان می دهد که این ماده به دست آمده بر نجاست خود باقی است. چون این گونه از بخار شدن، سبب پاکی آب مایه نخواهد شد.

چهارم: استصحاب نجاست: یکی دیگر از دلیلهای نجس بودن الکل، استصحاب حالت پیشین است که همانا پاک بودن آن باشد. بدین بیان: این آب مایه، پیش از این نجس بوده، پس از دگر شدن خمر به الکل، شک می کنیم آیا با استحاله، این آب مایه، پاک شد، یا خیر؟ اصل، نجس بودن این آب مایه است.

نقد دلیل: استصحاب نجاست، به دلیل دگرگونی موضوع، جاری نمی شود. زیرا یکی از شرطهای جاری شدن استصحاب، ماندگاری عرفی موضوع مستصحب است. در این جا، پس از دگرگون شدن خمر به الکل، ماده جدیدی به دست آمده که عرف آن را ماده ای غیر از ماده نخست می داند. از این روی، حتی بنا بر رأی کسانی که استصحاب حکم را جاری می دانند، در این جا به سبب نبود ارکان استصحاب، این اصل جاری نمی شود.



دلایلهای پاکی

الکل:

اول: سُکرآور نبودن الکل تخمیری: گیریم نجس بودن آب مایه های سُکرآور پذیرفته شود، باید دید آیا الکل تخمیری، سُکرآور است یا خیر؟ آنچه به نظر می آید این است که این آب مایه، به خودی خود، در ردیف مستی آورها، جای نخواهد گرفت، بلکه همان گونه که پیش از این بیان شد. این آب مایه، به سبب پرمایگی الکل در آن، ماده ای سمی و غیردرخور شرب است. نوشیدن این آب مایه، به گونه خالص، سبب سوزش و از بین رفتن مخاط دهان خواهد شد. از این روی، این آب مایه را در ردیف ماده های سمی طبقه بندی کرده اند و به هیچ روی، نمی تواند از جمله آب مایه های سُکرآور باشد. ۱۱۲

دوم. انصراف دلایلهای نجس بودن خمر، از الکل: آقای خوئی، پس از پذیرفتن این که الکل، آب مایه سُکرآور است، برای ثابت کسردن پاکی آن می نویسد:

«دلایلهای نجس بودن خمر و آب مایه های سُکرآور، از الکل انصراف دارند؛ چون این گونه آب مایه ها، در عصر تشریح وجود نداشته است و روایاتی که بیانگر نجس بودن آب مایه های سُکرآورند، به شرابه های شناخته شده ای انصراف دارند که نوشیدن آنها رواج داشته باشد؛ در حالی که الکل، آب مایه سُکرآوری است که نوشیدن آن، معمول و شناخته شده نیست.» ۱۱۳

این استدلال، سُست است؛ زیرا اگر نجس بودن آب مایه های سُکرآور ثابت شود، و الکل از نمونه ها و مصداقهای آب مایه های سُکرآور باشد، بی گمان، نجس بودن الکل ثابت خواهد شد. و نبودن آن در عصر تشریح، سبب نمی شود از دایره و قلمرو حکم بالا خارج شود.



سوم. استحاله خمر به الکل: می دانیم که یکی از پاك كننده ها، از حالی به حالی دیگر گردیدن (استحاله) است. استحاله عبارت است از: دگرگونی ماده ای به ماده دیگر، به گونه ای که عرف ماده دوم را غیر از ماده اول بدانند. از باب مثال: اگر سگی در نمکزار بیفتد و به نمک دگر شود، پاك می گردد. فلسفه پاك بودن این دگرگون شدگی (استحاله) همان دگرپرسی عرفی موضوع است. به دیگر سخن، در استحاله چون موضوع دگرگون می شود، بی گمان، حکم نیز، برداشته خواهد شد. از این روی، این سخن: استحاله یکی از پاك كننده هاست، نوعی مسامحه است.

درباره مثال بالا، آنچه نجس است و موضوع حکم شرعی قرار دارد، سگ است. و آنچه الآن با آن سروکار داریم، نمک است. بی گمان این موضوع جدید، محتاج به حکم جدیدی است. در این جا نیز، پس از آن که خمر بخار شد و الکل آن جدا گردید، ماده به دست آمده در نزد عرف، غیر از ماده نخستین است.

از این روی، نیاز به حکم جدیدی دارد. این، همانند تقطیر بول است. البته چون عمل تقطیر چندین بار صورت می گیرد، تا پرمایگی و غلیظی الکی به حدود ۹۶ درجه برسد، در مرحله های ابتدایی، تا زمانی که نوشیدن آن ممکن باشد، چون مصداق آب مایه های سُکرآور است، نجس بودن آن از بین نمی رود؛ اما پس از آن که درجه الکی آن به میزانی رسید که نوشیدن آن ممکن نباشد، به دلیل این که آب مایه به دست آمده، نه مصداق خمر است و نه مصداق آب مایه سُکرآور، در حکم به نجس بودن آن، احتیاج به دلیل مستقل است و چون در این جا دلیلی بر نجس بودن آن وجود ندارد، بی گمان قاعده طهارت جاری می شود.

نتیجه گیری: در بحث پاکی و نجسی الکل، دو پیش فرض وجود دارد:



۱. خمر نجس است.

۲. آب مایه های سُکرآور نجسند.

زیرا اگر به پاکی خمر، یا آب مایه های سُکرآور حکم شود، دلیلی بر نجس بودن الکل وجود نخواهد داشت. اما گیریم که آب مایه های سُکرآور نجس باشند، آیا می توان حکم به نجس بودن الکل کرد؟

با بررسی دلیلهای، به این نتیجه رسیدیم که: الکل، به سبب این که مستی آور نیست، پاک است.

۴. بررسی فقهی سرم الکل: یادآور شدیم نوشیدن الکل زیاد، مسموم شدگی را در پی دارد. یکی از راه های درمان مسموم شدگی شدید با متانل و قفه متابولیسیم متانل، تزریق محلول ۱۰٪ اتانل از راه وریدی است. ۱۱۴

حال سخن این است: در صورت عادی و بدون ناگزیری، آیا می توان از این سرم استفاده کرد یا خیر؟

به دیگر سخن، حکم این نوع سرم الکل در شریعت چیست؟

در جواب باید گفت: علت حرام بودن خمر و نوشابه های الکلی دیگر، مستی آور بودن آنهاست.

از آن جا که این آب مایه مستی آور است، استفاده از آن، چه به صورت خوراکی و چه به صورت تزریقی حرام است.

اما از جهت پاکی و نجسی، باید گفت: این آب مایه مصداق کامل آب مایه های مستی آور است و کسانی که آب مایه های مستی آور را نجس می دانند، این آب مایه را نیز نجس می دانند.

اما کسانی که آب مایه های مستی آور را نجس نمی دانند، این آب مایه، نزد آنان نجس نیست، زیرا عرف سرم الکلی را خمر نمی دانند.

۵. بررسی فقهی داروهای الکل دار: پیش از این یادآور شدیم: الکل، حل کننده



است. از این روی، در صنعت داروسازی کاربرد فراوانی دارد. کمرچه برابر دستورالعمل وزارت بهداشت و درمان، در سالهای اخیر، متانول یا الکل‌های نوع دوم و سوم و یا گلیسرین، جایگزین اتانول شده است و در بیش تر شربت‌های دارویی، به جای استفاده از اتانل، از حل کننده های جانشین استفاده می شود، اما در شربت‌های الگزیبر مثل الگزیبر فنوباریتال و استامینوفن، الکل استفاده می شود. و در تهیه روکش قرصها و کپسولها نیز از الکل استفاده می شود. اکنون بحث این است: آیا این داروها پاک هستند یا نجس و یا حرام هستند و یا حلال؟

اما بحث اول اگر کسی الکل را نجس بداند، حکم به پاک بودن شربت‌های دارویی دشوار خواهد بود، زیرا در آمیختن ذره ای از این آب مایه نجس با ماده های دیگر، گرچه دیگر ماده ها بر الکل چیره شوند، سبب می شود این دارو نجس شود. از باب مثال، در آمیختن خمر با آب مایه های دیگر، گرچه مقدار بسیار ناچیز، سبب نجس شدن آن آب مایه ها خواهد شد، حتی اگر آب مایه به دست آمده از این در آمیختگی، سُکرآور نباشد. اما آیا این شربت‌ها حرام است یا خیر؟

باید گفت: اگر این گونه شربت‌ها نجس باشند، می توان گفت: نوشیدن آنها به این دلیل که نجس هستند، حرام خواهد بود.

اما اگر الکل را پاک بدانیم، آیا استفاده از این شربت‌ها جایز است؟

در پاسخ باید گفت: چون در این گونه شربت‌ها، اثر دیگر ماده ها بر الکل چیره است، به گونه ای که این ترکیب به جای اثر و فایده سُکرآور، اثر و فایده درمانی از خود نشان می دهد، در حقیقت، اثر و فایده سُکرآوری الکل، در پرتو اثر و فایده طبی و دارویی قرار می گیرد، این گونه شربت‌ها، نمی تواند سُکرآور باشند؛ از این روی، عنوان خمر، یا سُکرآوری بر آنها صادق نیست،



تا دلیل «کلّ مسکر حرام» آنها را بگیرد. ۱۱۵

تنظورهایی دارویی: تنظورها Tentures عبارتند از خیس شده مواد گیاهی یا معدنی یا حیوانی در مقداری الکل، که الکل به عنوان حل کننده، به تمام ذره های نسوج گیاهی، یا حیوانی نفوذ کرده و یا ماده معدنی را در خود حل می کنند، مانند تنطور والویان، که یک داروی قلبی است و تنطور ید که یک ماده معدنی است. از دیگر تنظورها، می توان تنطور کوشنیل cochille و کانتارید را نام برد. ۱۱۶

حکم این نوع مواد نیز، مانند حکم شربتهای دارویی است و فرقی میان این دو از جهت حکم وجود ندارد.

شرابهایی طبی: شرابهایی طبی، شرابهایی هستند که در آنها، بیش تر، یک ماده گیاهی را در شراب خیس و پس از مدتی صاف می کنند و به عنوان شراب دارویی به کار می برند، مانند پوست درخت کنکینا، یا بعضی داروها که در طب عوام هم ممکن است وجود داشته باشد. امروز، بسیاری داروهای مقوی تحت عنوان تونیکها toniques، به مقدار زیادی از شراب یا الکل در خود دارند. ۱۱۷

استفاده از الکل در ضد عفونی کردن پوست: یکی از راه های ضد عفونی کردن زخمها، استفاده از الکل است. همچنین در لوسیونهای موضعی مثل لوسیون کائولوپکتین، از الکل کالفر استفاده می شود که در خارشهای پوستی کاربرد دارد

حال پرسش این است: با توجه به این که این داروها جذب پوست می شوند، به کار بردن آنها، بر فرض حرام و نجس بودن، چگونه است؟

در یک روایت، سرمه ای که در ساخت آن از خمر استفاده شده، پلید و به منزله مردار دانسته شده است. ۱۱۸ حال باید دید آیا استفاده از داروهایی که در آن از الکل تخمیری استفاده شده است نیز، حکم استفاده از مردار را دارند و



این روایت این گونه داروها را در بر می گیرد، یا خیر؟
نخست آن که: الکل تخمیری، خمر نیست، تا این گونه روایات، آن را در
بر بگیرند.

دو دیگر: از لحن و پیام امام حرام بودن استفاده دارویی از خمر استفاده
نمی شود؛ بلکه چنین به نظر می رسد که امام، در جمله: «هو خبیث بمنزلة
المیته» در صدد بیان، خُبث معنوی خمر است و نه حرام بودن اصطلاحی
آن.

در هر صورت، استفاده از الکل در ضد عفونی کردن زخم و مانند اینها،
از نظر شرع حرام نیست.^{۱۱۹}

ح. نگاهی به فتوای فقیهان درباره الکل: حضرت امام، در مورد الکل صنعتی
در رساله شریف خود نوشته است:

«الکل صنعتی، که برای رنگ کردن در و میز و صندلی به کار
می رود، اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان
است، درست کرده اند، پاک می باشد.»^{۱۲۰}

در رساله استفتاءات در پاسخ به این پرسش که تماس دست با گوناگون
الکلها: صنعتی شیمیایی و ... چگونه است؟ نوشته است:

«اگر معلوم نیست که الکل مست کننده و از چیز مایع به دست
آمده، محکوم به طهارت است.»^{۱۳۱}

آقای خوئی نوشته است:

«الکل صنعتی، تمام اقسامش، پاک است.»^{۱۲۲}

آقای اراکی با وجود این که هر آب مایه مستی آوری را نجس می داند، در
رساله استفتاءات خود، الکل صنعتی و طبی را پاک دانسته است.^{۱۲۳}



آقای مکارم شیرازی نوشته است:

«الکل طبی و صنعتی که انسان نمی داند از چیز مست کننده مایع گرفته شده، پاک است. همچنین ادکلن ها و عطرها و داروهایی که با الکل طبی یا صنعتی مخلوط است [و] الکلهایی که ذاتاً قابل شرب نیست، یا جنبه سمی دارد، نجس نیست. ولی هرگاه آن را رقیق کنند و مشروب و مسکر باشد، نوشیدنش حرام است و احتیاطاً حکم نجس دارد.»^{۱۲۴}

نظری به مبانی فتوای فقیهان: با درنگ در فتاوی فقیهان عصر حاضر، می توان آنها را به گروه های زیر تقسیم کرد:

۱. کسانی که پاکی آب مایه سکرآور را پذیرفته اند، همانند آقای سیستانی و ... این دسته در حکم به پاکی این گونه آب مایه ها، مشکلی نداشته و بدون دغدغه و کاوش در موضوع الکل، حکم به پاکی گوناگون الکلهای می دهند.
۲. کسانی که آب مایه های سکرآور و روان را نجس می دانند؛ اما از آن جایی که وجود دو شرط نجس بودن در این گونه آب مایه ها: روانی و سکرآور را در الکل نیافته اند، حکم به پاکی داده اند.
۳. کسانی که در وجود دو شرط بالا، یا یکی از این دو شرط، شک دارند؛ از این روی اصل طهارت را جاری می کنند.
۴. کسانی که حکم پاکی و نجسی الکلهای را با روشنی اعلام کرده و حکم مسأله را بسته به این دانسته اند که شرطها و قیدهایی به دست آید و احراز شود و احراز آن شرطها را به عرف واگذارده اند.
۵. کسانی که حکم به پاکی خمر داده و بدون درنگ، پاکی الکل و فرآورده های آن را پذیرفته اند.



بی‌نوشتها:

۱. شناخت الکل از نگاه علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیدرضا آقا پور مقدم/۵۰، ۵۲.
۲. کپکها و مخمرها، بهرام نصر اصفهانی/۸۰-۸۱.
۳. همان.
۴. شناخت الکل از نگاه علمی، اجتماعی و اقتصادی/۵۲.
۵. المفردات لالفاظ القرآن الکریم، راغب اصفهانی/۱۵۹.
۶. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا/۱۲۵۲۰.
۷. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۷/۲۲۱، ابواب اشربه محرّمه، باب ۱، ح ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۸. همان/۲۲۳، ح ۶.
۹. همان/۲۲۲، ح ۵.
۱۰. همان/۲۸۱، باب ۲۳ اشربه محرّمه، ح ۱.
۱۱. شناخت الکل از نگاه علمی، اجتماعی و اقتصاد/۶۶.
۱۲. شیمی آلی، محمد هادی خورگامی/۱۲۶-۱۲۷.
۱۳. شناخت الکل از نگاه علمی، اجتماعی و اقتصادی/۱۰۲.
۱۴. همان/۱۰۵، به نقل از حلیة الکمیت، شمس‌الدین محمد بن حسن نواجی.
۱۵. تاریخ ادبیات زبان عربی، از عصر جاهلی، تا قرن معاصر، حتّٰ الفاخوری، ترجمه عبدالحمید آیتی/۴۳ توس، تهران.
۱۶. همان ۱۴۱.
۱۷. همان/۷۲، ۷۸، ۷۹.
۱۸. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،



- ج ٢/٢٩٠، ٢٩١، ٢٩٣، انتشارات اسلامى، وابسته به جامعه مدرسين .
- ١٩ . الجوامع الفقهيہ/٢١٧ . مسألہ /١٦ .
- ٢٠ . همان/٤٨٨ .
- ٢١ . المبسوط، شيخ طوسى، ٣٦/١ .
- ٢٢ . السرائر، ابن ادريس، ج ١/١٧٨-١٧٩، مفتاح الكرامه، ج ١/١٤٠ .
- ٢٣ . مختلف الشيعه، علامه حلى، ج ١/٤٦٩ .
- ٢٤ . من لا يحضره الفقيه، ج ١/٤٣ .
- ٢٥ . مختلف الشيعه، ج ١/٤٦٩ .
- ٢٦ . مجمع الفائده والبرهان، محقق اردبيلي، ج ١/٣١٠ .
- ٢٧ . مدارك الاحكام، ج ٢/٢٩١ .
- ٢٨ . مشارق الشموس .
- ٢٩ . مختلف الشيعه، ج ١/٤٦٩ .
- ٣٠ . همان، ج ١/٤٧٠ .
- ٣١ . من لا يحضره الفقيه، ج ١/٤٣ .
- ٣٢ . وسائل الشيعه، ج ٢/١٠٥٥، ابواب النجاسات، ح ٢ .
- ٣٣ . همان/١٠٩٥، باب ٧٤، ح ١ .
- ٣٤ . همان/١٠٥٤، باب ٣٨، ح ١ .
- ٣٥ . همان، /١٠٩٢، باب ٧٢، ح ٢ .
- ٣٦ . همان/١٠٥١، باب ٣٨، ح ٧ .
- ٣٧ . همان/١٠٧٥، باب ٥١، ح ١ .
- ٣٨ . همان/١٠٥٦، باب ٣٨، ح ٨ .
- ٣٩ . هما/١٠٥٥٥، باب ٣٨، ح ٣ .



- ۴۰ . همان/۱۰۵۵ ، باب ۳۸ ، ح ۵ .
- ۴۱ . سورة مائده آیه ۹۰ .
- ۴۲ . الناصريات ، مسأله ۱۶ ؛ سلسله الينايع الفقيهه ، ج ۱/۱۴۵ .
- ۴۳ . لسان العرب ، ماده «رجس» .
- ۴۴ . التحقيق في كلمات القرآن الكريم ، مصطفىوى ، ج ۴/۵۵ .
- ۴۵ . الجوامع الفقيهه / ۲۱۷ .
- ۴۶ . تهذيب الاحكام ، ج ۱/۲۷۸ .
- ۴۷ . منتهى المطلب ، ج ۳/۲۱۴ .
- ۴۸ . المفردات / ۱۸۸ .
- ۴۹ . التحقيق في كلمات القرآن الكريم ، ج ۴/۵۵ .
- ۵۰ . همان .
- ۵۱ . المفردات / ۱۸۸ .
- ۵۲ . التنييح في شرح العروة الوثقى ، ج ۲/۹۰ .
- ۵۳ . وسایل الشيعه ، ج ۲/۱۰۵۷ ، ابواب النجاسات ، باب ۳۸ ، ح ۱۲ .
- ۵۴ . همان ، ح ۱۰ .
- ۵۵ . همان ، ح ۱۱ .
- ۵۶ . همان/۱۰۵۸ ، ح ۱۴ .
- ۵۷ . مبادئ فقه و اصول ، عليرضا فيض / ۱۹۶ .
- ۵۸ . همان/۲۱۳ .
- ۵۹ . وسائل الشيعه ، ج ۲/۱۰۵۵ ، ابواب النجاسات ، باب ۳۸ ، ح ۲ .
- ۶۰ . مبادئ فقه و اصول / ۲۰۱-۲۰۲ .
- ۶۱ . الطهارة .



۶۲. بحوث فی شرح عروۃ الوثقی، ج ۳/۳۴۹-۳۵۰.
۶۳. همان/۳۵۱.
۶۴. مجمع الفائده والبرهان، ح/۳۱۰-۳۱۱.
۶۵. بحوث فی شرح عروۃ الوثقی، ج ۳/۳۵۲-۳۵۴.
۶۶. احکام القرآن، ابوبکر الجصاص، جزء ۱/۳۲۲.
۶۷. وسائل الشیعه، ج ۱۷/۲۸۵، ابواب اشربه محرمة، باب ۱۵، ح ۲ و ۴.
۶۸. بررسی فراورده های کلل از نظر فقه اسلامی، صبور اردوبادی.
۶۹. وسائل الشیعه، ج ۱۷/۲۳۷، باب ۹ اشربه محرمة، ح ۲۴.
۷۰. همان/۲۵۹، باب ۱۵، ح ۱.
۷۱. همان، ح ۲ و ۴.
۷۲. از فقهای عصر حاضر می توان از آقای سیستانی نام بود.
۷۳. سلسله الینابیع الفقہیہ، ج ۱/۱۴۵.
۷۴. جواهر الکلام، ج ۴/۶.
۷۵. وسائل الشیعه، ج ۲/۱۰۵۴، ابواب النجاسات، باب ۳۸، ح ۲.
۷۶. همان/۱۰۵۶، ح ۷.
۷۷. همان، ج ۱۷/۲۷۲، ابواب اشربه محرمة، باب ۱۸، ح ۱.
۷۸. همان، ج ۲/۱۰۵۷، ابواب النجاسات، باب ۳۸، ح ۱۱.
۷۹. همان، ج ۱۰.
۸۰. رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱.
۸۱. همان، مسأله ۱۱۲.
۸۲. همان، مسأله ۱۱۰.
۸۳. همان، مسأله ۱۱۲.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایان منبع علوم انسانی

۸۴. همان، مسأله ۱۱۳.

۸۵. همان، مسأله، ۱۲۴ و ۱۲۵.

۸۶. همان، مسأله ۱۱۲.

۸۷. نقد و نظر، شماره ۵/۸۷.

۸۸. بررسی فرآورده های الکلی/۲۶.

۸۹. همان/۲۴ و ۲۵.

۹۰. شیمی عمومی، چارلز مورتیمو، ج ۲/۴۲۶.

۹۱. شیمی آلی، هادی خورگامی/۱۱۴.

۹۲. شیمی آلی، موریسون و بوید، ج ۱/۶۳۴.

۹۳. همان؛ شیمی آلی، محمد هادی خورگامی/۱۱۴.

۹۴. همان.

۹۵. شیمی آلی، خورگامی/۱۲۱.

۹۶. همان.

۹۷. شیمی عمومی، ج ۲/۶۴۴.

۹۸. کپکها و مخمرها/۷۹. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹۹. فارماکولوژی پایه و بالینی، ۱/۴۷۱.

۱۰۰. همان/۴۷۱-۴۷۸.

۱۰۱. همان/۴۷۹.

۱۰۲. همان/۴۸۱.

۱۰۳. کپکها و مخمرها/۸۲.

۱۰۴. همان/۸۰.

۱۰۵. همان.



- ۱۰۶ . همان / ۸۱ .
- ۱۰۷ . شیمی دارویی آئی / ۸۵ .
- ۱۰۸ . همان / ۸۵-۸۸ .
- ۱۰۹ . فارماکولوژی پایه و بالینی ، ج ۱ / ۴۸۲ .
- ۱۱۰ . شیمی آئی / ۹۱ .
- ۱۱۱ . مقدمه ای بر رسم شناسی .
- ۱۱۲ . همان .
- ۱۱۳ . التفتیح فی شرح العروة الوثقی ، ج ۲ / ۱۰۰ .
- ۱۱۴ . فارماکولوژی پایه و بالینی ، ج ۱ / ۴۸۲ .
- ۱۱۵ . الککل و فراورده های آن در فقه اسلامی / ۱۳۳ .
- ۱۱۶ . بررسی فراورده های الککل از نظر فقه اسلامی / ۹۴ .
- ۱۱۷ . همان / ۱۳۸ .
- ۱۱۸ . وسائل الشیعه ، ج ۱۷ / ۲۷۹ . ابواب اشربه محرمة ، باب ۲۱ ، ح ۵ .
- ۱۱۹ . الککل و فراورده های آن / ۱۲۱ .
- ۱۲۰ . توضیح المسائل ، مسأله ۱۱۱ . نانی و مطالعات فریخی
- ۱۲۱ . رساله استفتاءات . رسال جامع علوم انسانی
- ۱۲۲ . توضیح المسائل ، مسأله ۱۱۲ .
- ۱۲۳ . استفتاءات .
- ۱۲۴ . توضیح المسائل ، مسأله ۱۲۴ ، ۱۲۵ .

